

# حقیقت

نشریه روزانه هشتمین جشنواره بین المللی فیلم مستند ایران / سینما حقیقت ■ شماره سوم ■ سه شنبه ۱۱ آذر ماه ۱۳۹۳

CINEMA VERITE IRAN INTERNATIONAL DOCUMENTARY FILM FESTIVAL.No.3.TUE,2<sup>ND</sup> DEC.2014



## روز بزرگان

حضور همزمان شمس لنگرودی، رضا کیانیان  
اکبر عالمی و احمد ضابطی جهرمی در روز دوم جشنواره

3 CUT

پرونده امروز  
بررسی فیلم‌های جایزه آوینی  
**میراث مرتضی**

حامد خورشیدی / نشریه روزانه

یک حضور  
پربار از شرق دور

14

گزارشی از کارگاه  
کاوانسه، مستندساز ژاپنی

حرکت در  
جاده دو طرفه

6

گفت‌وگو با مهوش شیخ‌الاسلامی  
داور جشنواره

مستند ساز  
زنده‌ترین آدم دنیا

8

گزارشی از حضور مهمان ویژه  
نشریه روزانه در جشنواره





# عصرانه با بزرگان

شورو حال جشنواره هشتم در روز دوم با برگزاری نشست‌های صمیمانه به اوج رسید



سالن اصلی، سالن‌های کوچک سینما فلسطین هم در روز دوم شاهد اکران فیلم‌های جنجالی بود که در این بین بازار گپ و گفت پیرامون دو فیلم سیاسی «اتاق جنگ» ساخته مصطفی حریری و «پنج دوربین شکسته» ساخته عماد بورنات و گای داویدی گرم‌تر بود.

## دیدار آشنا

سالن سه سینما فلسطین اما از ساعت ۱۸ میزبان بخش ویژه رومانی از کتاب تازه دکتر ضابطی جهرمی بود که با استقبال قابل توجه مخاطبان همراه شد (شرح این مراسم را می‌توانید در صفحه ۵ بخوانید) پس از رونمایی کتاب بود که دکتر احمد ضابطی جهرمی با همراهی دکتر اکبر عالمی به وعده‌گاه طراحی شده در راهرو اصلی طبقه سوم سینما آمدند تا در محل مورد نظر به گپ و گفت صمیمانه با مخاطبان «سینماحقیقت» بنشینند. این نشست‌ها با استقبال مخاطبان هم همراه شد و صحنه‌هایی به یادمانی را خلق کرد. برنامه دیدارهای صمیمانه با مستندسازان و پژوهشگران نام‌آور که در روز دوم نخستین نوبت آن برگزار شد تا روز پایانی جشنواره هشتم برقرار خواهد بود.

استندها و بنرهایی که در روز نخست جشنواره تنها حکم اطلاع‌رسانی پیرامون یکی از برنامه‌های جنبی جشنواره هشتم سینماحقیقت را داشت، در روز دوم به محور برگزاری نشست‌هایی بدل شد که شورو حال خاصی به کاخ جشنواره بخشید. برنامه گفت‌وگوی صمیمانه با مستندسازان و پژوهشگران به عنوان یکی از ایده‌های واحد تحقیقات و پژوهش مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی، شب گذشته شورو حال جاری در تاریکی سالن‌های نمایش فیلم در سینما فلسطین را به راهرو طبقه سوم آورد.

## اوج شاعرانه

روز دوم جشنواره هشتم سینماحقیقت از ساعت ۹ صبح دیروز با اکران فیلم‌های بخش بین‌الملل آغاز به کار کرد و آرام آرام با نزدیک شدن به سانس‌های عصر گاهی و اکران فیلم‌های بخش مسابقه ملی تنور جشنواره هم گرم‌تر و گرم‌تر شد. نقطه شروع این اوج‌گیری هم اکران فیلم مستند «سخت مثل آب» ساخته آرش سنجایی در سانس ساعت ۱۶ بود. بعد از آن نوبت به «کلارا» پویان وزیری و «چنارستان» هادی آفریده رسید که سالن اصلی سینما فلسطین را مملو از مخاطب کنند. در کنار

## روایت، مشکل اصلی سینمای مستند

امسال به عنوان عضو هیات انتخاب آثار بلند در جشنواره حقیقت حاضر شدم. با توجه به آثاری که در این بخش دیدم به راحتی می‌توانم بگویم که حدود ۱۵ مستند بلند «بسیار خوب» و چند مستند «خوب» در جشنواره امسال وجود دارد. اما چرا فقط این تعداد فیلم؟

ضعف اصلی فیلم‌های موجود در جشنواره مسئله روایت است. در کارهای ارائه شده انسجام روایی وجود نداشت و داستان آنگونه که درست است، تعریف نشده بود. این موضوع به این جشنواره محدود نمی‌شود و یکی از اساسی‌ترین بحران‌ها هم در سینمای مستند و هم در سینمای داستانی است. البته از آنجایی که مستندسازان مابقی عادت به روایت یک موضوع می‌پردازند و ذهنشان حالت روایی پیدا نکرده است، ضعف روایت در میان مستندسازان بیشتر است؛ روایت، مشکل اصلی سینمای مستند است.

از دیگر نقاط ضعف آثار ارائه شده، مسئله تحقیق و پژوهش آن‌هاست. هنوز پژوهش آنگونه که باید جدی گرفته نمی‌شود. البته این مسئله نیز در فیلم‌های داستانی صدق می‌کند. باید پروسه پژوهش در ساخت اثر گنجانده شود. فیلمسازان باید با دقت بیشتر به ابعاد مختلف یک موضوع بپردازند که متأسفانه به دلیل زحمت فراوانی که این نوع کارها دارد، معمولاً آن را نادیده گرفته و بدون آنکه به سراغ این پروسه بروند، کار تولید مستند یا فیلم را آغاز می‌کنند. در یک جمله می‌توانم بگویم که تنبلی، باعث می‌شود قبل از آنکه فیلمساز به موضوع مشرف شود، به ساخت آن روی بیاورد.

البته نباید نادیده گرفت که عدم نمایش عمومی باعث می‌شود انگیزه لازم جهت فعالیت بیشتر در میان مستندسازان کم‌رنگ شود. تلویزیون باید برای پخش آثار مستند همکاری کند. لازم است تا گروه هنر و تجربه هم امکان اکران آثار را فراهم کرده تا مردم بتوانند به تماشای این مستندها بنشینند. البته در این میان هستند آثاری که امکان نمایش عمومی را پیدا نخواهند کرد چرا که با مخاطب همخوانی ندارند. در واقع مستندسازان باید فیلم‌ها را برای مخاطبان مشخص بسازند تا مردم را جذب و به سینما هدایت کنند. این‌گونه است که با همکاری مستندساز و مسئولان، چرخه اقتصادی فیلم‌های مستند شکل می‌گیرد.

به عنوان نمونه در میان آثار ارائه شده به جشنواره امسال، و در میان مضامین مختلفی که وجود داشت، مستندهای اجتماعی بیش از دیگر مضامین نظر من را به خود جلب کرد. مشخصاً دو فیلم را خیلی دوست داشتم که یکی از آنها به دلیل مخالفت تهیه‌کننده از جشنواره خارج شد. این مستندها می‌توانند با اکران درست در گروه هنر و تجربه، سرمایه‌تیه‌کننده را بازگردانده و مستندساز را به ساخت مستندهای دیگر ترغیب کنند.

## نگاه اول



محمد حسین مهدی‌پویان

عضو هیات انتخاب بخش مستند بلند



## فرصت تعامل

نماینده جشنواره شفیلد انگلیس در «سینماحقیقت»

و این در حالی است که جشنواره‌ای مانند شفیلد بیشتر مخاطبان حرفه‌ای دارد و بیشتر فیلمسازان کشورهای دیگر مخاطب آن هستند. امیرانی در باره بهانه نشست صمیمانه‌اش در سینما فلسطین هم گفت: بهانه من دیدار با مستندسازان ایرانی برای ارائه مشاوره پیرامون مسیر حضور در جشنواره شفیلد است. دوستانی که این فرصت را به دست نیاوردند می‌توانند در روزهای آینده از طریق مرکز گسترش با من ارتباط بگیرند و یا از طریق سایت [www.sidf.co.uk](http://www.sidf.co.uk) که سایت رسمی شفیلد است اطلاعات اولیه را به دست آورند.



یکی از مهمانان ویژه نشست‌های صمیمانه واحد تحقیقات و پژوهش مرکز گسترش در شب دوم جشنواره، تقی امیرانی نماینده رسمی جشنواره شفیلد انگلستان بود. کارشناسی که برای مشاوره و برقراری تعامل با مستندسازان ایران مهمان «سینماحقیقت» شده بود. امیرانی در گفت‌وگوی کوتاهی با بولتن روزانه جشنواره درباره سابقه آشنایی خود با «سینماحقیقت» گفت: چهار یا پنج سال پیش و در یک سفر کوتاه خیلی اتفاقی با این جشنواره آشنا شدم. بعدها دیدم مستندسازان بسیاری در دنیا هستند که علاقه‌مند به حضور در این جشنواره هستند. وی با اشاره به تفاوت جشنواره معتبری مانند شفیلد با «سینماحقیقت» گفت: استقبال مخاطبان عادی از جشنواره‌های سینمایی در ایران واقعا قابل توجه است

## مهمانی از جنس آب

استاد محمد شمس لنگرودی یکی از مهمانان ویژه دومین روز برگزاری جشنواره سینماحقیقت بود. مهمانی که به واسطه نمایش مستند «سخت مثل آب» حکم میزبان هم داشت. این شاعر سرشناس در آیین افتتاحیه مستند «سخت مثل آب» ساخته آرش سنجابی در سخنان کوتاهی گفت: «به جز یکی از مستندها، باقی فیلم‌هایی که درباره من ساخته شده است را ندیدم. مستندی هم که دیدم، دوست نداشتم. ظاهراً کارگردان‌های این مستندها نیازی ندیدند فیلمشان را به من نشان دهند. «سخت مثل آب» را قبلاً دیدم و از آن راضی هستم. این مستند به سلیقه و روحیات من نزدیک است.» استاد لنگرودی پس از نمایش این مستند در میان مخاطبان حاضر در سینما فلسطین حاضر شد و گپ و گفت و در مواردی گرفتن عکس مشترک با علاقه‌مندانش پرداخت.



## فلسطین خلوت شد!



یکی از اتفاقات قابل توجه در بازه زمانی اکران فیلم‌ها در سالن‌های سینما فلسطین استقبال ویژه از برخی آثار است که به وضوح بر کیفیت حضور مخاطبان در لابی و پاگردهای سینما تأثیر می‌گذارد. در روز دوم جشنواره سینماحقیقت در چند نوبت لابی اصلی و راهروهای منتهی به طبقات فوقانی سینما فلسطین به طرز مشهودی خلوت شد. شرایطی که نشان از اکران یک فیلم «محبوب» در سالن اصلی جشنواره داشت. فیلم سینمایی «سخت مثل آب» یکی از این آثار بود که با استقبال ویژه مخاطبان همراه شد. به خصوص که مستند درباره زندگی و کارنامه ادبی محمد شمس لنگرودی بود و این مستند با حضور این شاعر پیشکسوت در سالن اصلی سینما فلسطین رونمایی می‌شد. اما ساعت ۲۰ خلوتی سینما فلسطین ویژه تر بود! اکران فیلم مستند «چنارستان» به کارگردانی مستندساز جوان هادی آفریده آنقدر با استقبال مواجه شد که برنامه‌های جنبی جشنواره از جمله نشست‌های صمیمانه با کارشناسان را تحت الشعاع خود قرار داد.

تکنه روز

## مستندساز - مخاطب

یکی از نکات جالب در تیپ‌شناسی مخاطبان حاضر در جشنواره سینماحقیقت حضور پررنگ طیفی از مستندسازان است که نه فقط به صورتی گذرا و با برای اکران آثار خود و دوستان‌شان که به صورتی پیگیر و به عنوان یک مخاطب حرفه‌ای همه روزه در سینما فلسطین حضور دارند تا به تماشای آثار مستند بنشینند و اینگونه در جریان تولیدات روز سینمای مستند ایران قرار بگیرند. این گروه از مستندسازان البته رفتارهای متفاوتی دارند؛ عده‌ای تنها به تماشای آثار بسنده می‌کنند و احتمالاً برداشت و نظر خود را به یادگار برای خود نگه می‌دارند! دسته دوم اما بلافاصله پس از تماشای فیلم به بحث و گفت‌وگو با خالق آن می‌پردازند و سعی می‌کنند تا دیدگاه‌های خود را با هم صنفان خود به اشتراک بگذارند. همین رویکرد هم باعث حال و هوای حرفه‌ای گعده‌های پراکنده شکل گرفته در لابی اصلی و راهروهای جنبی سینما فلسطین شده است. همین نشست‌ها و جمع‌های حرفه‌ای یکی از عناصر هویت بخش سینماحقیقت شده است. اگر شما هم از مخاطبان ثابت «سینماحقیقت» هستید حتماً با این طیف از «مستندساز - مخاطب»‌ها مواجه شده‌اید و می‌توانید به خوبی نام آن‌ها را در ذهن مرور کنید!

## سینماحقیقت بشنوید!



تلاش اهالی رسانه برای انعکاس ریز برنامه‌های هشتمین جشنواره سینماحقیقت در نوع خود مستودنی است اما در این میان صداوسیما جایگاه ویژه‌تری از منظر فراگیری مخاطبان دارد. تیم تولید برنامه «پرده نقره‌ای» از رادیو گفتگو یکی از گروه‌های فعال در هشتمین جشنواره سینماحقیقت هستند که استودیو خود را به سینما فلسطین آورده و از همین جا تریبون رادیویی را برای مستندسازان دست و پا کرده‌اند. این برنامه رادیویی که در طول برگزاری جشنواره سینماحقیقت هر شب ساعت ۲۱ و به مدت یک ساعت روی آنتن رادیو گفتگو می‌رود در بخش‌های مختلف اخبار مرتبط با جشنواره و نیز نقد و بررسی مستندهای پخش شده در جشنواره رادر دستور کار دارد. این برنامه به تهیه‌کنندگی فرهاد دهنوی و با اجرای شهاب شهرزاد در بخش‌هایی مانند «سینمای اشراق» (ویژه جایزه شهید آوینی)، «یک فیلم، یک نگاه» (ویژه نقد و بررسی فیلم‌های روز) و «سکانس پلان» (مختص تحلیل شرایط سینمای مستند بسته خبری ویژه‌های ابرای علاقه‌مندان فراهم آورده است.

خبر روز



■ مصطفی رزاق کریمی  
دیدار باراوی زخم‌ها

به واسطه مستند «خاطراتی برای تمام فصول»، این روزها سرش شلوغ است، امروز فرصت گفت‌وگوی صمیمانه با او در ساعت ۱۹:۳۰ از دست ندهید.



■ احمد شاملو  
شعر در قلاب

سالن شماره دو سینما سپیده امروز در ستانس ساعت ۱۹:۳۰ میزبان مراسم رونمایی و اکران مستندی به نام «آیدار آینه شاملو» است.



■ محمد علی سجادی  
یاداستاد

اگر چه کمی از جریان اصلی سینمای ایران فاصله گرفته اما هنوز دوربین در دست دارد. سجادی امشب ساعت ۲۱:۴۵ با مستند «حمید مها» مهمان سینما فلسطین است.

آپگردها



## From Poetry to Politics

The review meeting of the festival's second day was held by the presence of Shahin Amin, Maziar Fekri-Ershad and Mohammad Shams Langeroudi. During the session, four films were reviewed including 'Meeting with the ISIL', 'As Solid As Water', 'Malekiyeh' and 'Nuclear Empire'. The first one, directed by Arash Sanjabi, is a portrait documentary about the Iranian famous poet, Shams Langeroudi who also came to watch the film. "While I was watching the film, it was somehow evident that was made by a journalist", Fekri-Ershad commented on 'Nuclear Empire'.



## از شعر تا سیاست

چهار فیلم در دومین شب نقد سینما حقیقت با حضور عوامل و مهمانان بررسی شدند

مجری کارشناس و منتقدان شب دوم: مازیار فکری ارشاد و شاهین امین

### ملاقات با داعش

■ موضوع مستند: سیاسی  
■ تهیه‌کننده: مهدی مطهری

«ملاقات بت داعش» یکی از جذاب‌ترین مستندهای روز دوم بود. مستندی که به شکل گروهی کار شده و در نشست آن تهیه‌کننده اثر حاضر شد.

■ **مهدی مطهری:** درست است که این فیلم شجاعانه و جسورانه است اما لحظات بسیار تلخی در فیلم وجود دارد. ما در این فیلم به داعش نزدیک شدیم تا حدی که با آن‌ها نفس به نفس حرکت می‌کردیم. توانستیم تصاویر نابی را ضبط کنیم. برای این که بتوانیم به آن‌ها نزدیک شویم خودمان را اهل تسنن معرفی کردیم، اهل تسننی که علاقه‌مند است با آن‌ها همکاری کنند. آن‌ها در ابتدا می‌گفتند که تصویردار هم باید از خودمان باشد اما با پیگیری فیلمبردارمان خودش توانست تصاویر را ضبط کند که در نهایت ما توانستیم که تصویرهای با کیفیت همراه با زاویه نگاه مدنظرمان برسیم که پاداشش کشته شدن فیلمبردارمان بود. نکته‌ای که بسیار مهم است و رسانه‌های ما باید بدانند این است که گروه داعش بسیار با برنامه‌ریزی عمل می‌کند و ما نباید فقط تصویرهایی که مرتبط به کشتار آن‌هاست را ببینیم بلکه باید بدانیم آن‌ها به خوبی رسانه را می‌شناسند به محض این که مکانی را اشغال می‌کنند از نانوایی بگیرند تا سایر ارگان‌ها همه را راه می‌اندازند. آن‌ها به راحتی آدم می‌کشند و در عرض یک‌الی دو ساعت آن را در اینترنت قرار می‌دهند.

■ **مازیار فکری:** این فیلم هم بسیار شجاعانه ساخته شد آن هم در قلمرو گروه داعش. برای نقد این فیلم نمی‌توان به این جلسه که ساعات پایانی است اکتفا کرد بلکه باید مفصل‌تر در مورد آن حرف زد.

### مالکیه

■ موضوع مستند: تحولات سیاسی سوریه  
■ کارگردان: محمدباقر شاهین

■ **محمدباقر شاهین:** این فیلم در مورد روستایی در جنوب سوریه است که در یک شب به طور ناگهانی مردان شان را آتش زدند و کشتند. زمانی که از این حادثه مطلع شدم تصمیم گرفتم که به سوریه بروم و علی‌رغم خطراتی که وجود داشت این کار را انجام دادم. تقریباً بیش از یک ماه این مسیر طول کشید و وقتی به آن‌جا رسیدم سه هفته کنار آن‌ها ماندم و اصلاً شروع به فیلمبرداری نکردم یک هفته شرایط را بررسی کردم و زمان را مناسب دیدم تا دوربین خودم را برای فیلمبرداری تنظیم کنم. زمانی که بچه‌ها و کودکان به سمت من آمدند تا در مقابل دوربین حرف بزنند دوربین را روی سه پایه گذاشتم و شخصاً به حرف‌های شان همانند یک مخاطب گوش دادم تا جایی که با گریه دختر بچه‌ای که از اتفاقات تلخش حرف می‌زد من نیز باه پایش اشک می‌ریختم. با یک عکاس آمریکایی در سوریه حرف می‌زدم که در ده جنگ دنیا حضور داشته و عکاسی کمی کرده و اعتراف می‌کرد تا به این لحظه شاهد چنین جنایاتی نبوده است. به شما قول می‌دهم جنایاتی در سوریه شکل گرفته که هیچ‌کس فکرش را نخواهد کرد و در ۱۰ سال آینده شاید در موردشان رسانه‌ها حرف بزنند.

■ **مازیار فکری ارشاد:** فیلم مستند «مالکیه» نگاه شاعرانه به موضوعات موجود در فیلم دارد. البته باید به شهامت سازندگان این اثر نیز فکر کرد و امیدوارم در شرایط بهتری در یک زمان مفصل‌تری در ارتباط با این فیلم حرف زده شود و بتوانیم جوهرات مختلف آن را مورد بررسی قرار دهیم. در این مستند به خوبی به غم فقدان اشاره شده است.

### امپراطور هسته‌ای بلغارستان

■ موضوع مستند: روایتی از سونامی ژاپن  
■ کارگردان: پاتریشا نوس

■ **پاتریشا نوس:** من یک ژورنالیست هستم که برای ساخت فیلم به ژاپن رفتم و علاقه داشتم بدانم بعد از سونامی که به وجود آمد و همچنین اتفاق هسته‌ای که باعث شد نیروگاه‌های شان تعطیل شود برخورد آن‌ها را ببینیم. همه مردم ژاپن به دلیل خاطره تلخی که در این رابطه داشتند به گونه‌ای شوکه شده بودند. به هیروشیما رفتم و عکس‌العمل مردم را بعد از ۶۰ سال در مورد این اتفاق بینم. این فیلم را در مدت یک ماه ساختم تلاش داشتم تا پرسپکتیو ژورنالیستی خودم را در فیلم رعایت کنم و نظرم این بود که تنها با همین قالب میدانی می‌توانم این فیلم را بسازم. هنوز عده زیادی از مردم ژاپن علاقه ندارند تا نیروگاه‌های هسته‌ای شان به راه بیافتد و آن افرادی که در حاشیه شهرها زندگی می‌کنند موافق این موضوع هستند نشان دادن این دو نظر به گونه‌ای که هر دو طرف نظرانشان دیده شود کار آسانی نیست.

■ **مازیار فکری ارشاد:** زمانی که فیلم را دیدم متوجه شدم که یک روزنامه‌نگار و کسی که در فضاهای خبری فعالیت دارد این فیلم را ساخته است و خوشحال هستم که در دست حدس زده بودم. اگر قرار بود این فیلم در کشور ما ساخته شود بالای یک سال زمان می‌برد این مدت زمان کم برای ساخت فیلم نشان از برنامه‌ریزی آن‌ها دارد. این یک مستند از گونه گزارش میدانی بود که به خوبی موضوعات اطرافش را پرداخت کرده بود. در این فیلم دانشمندان و پزشکان و همه افراد از قشرهای مختلف به خوبی حرفشان در راستای موضوع فیلم شنیده شده است که از کنار هم قرار دادن آن‌ها می‌توانیم به نتیجه خوبی برسیم. اطلاعات این فیلم به دلیل این که گزارش‌های میدانی آن به درستی انجام شده است به خوبی به مخاطب منتقل می‌شود.

### سخت مثل آب

■ موضوع مستند: پرتره شمس لنگرودی  
■ کارگردان: آرش سنجابی

نشست نقد و بررسی مستند پرتره «سخت‌مثل آب» با حضور کارگردان اثر و شمس لنگرودی برگزار شد. جلسه‌ای که با استقبال خوبی هم همراه شده بود. گزیده‌ای از صحبت‌های مطرح شده در این نشست را بخوانید.

■ **آرش سنجابی:** آثار شمس لنگرودی را دنبال می‌کردم و در سایر فیلم‌هایی که ساخته بودم که نزدیک به ۱۵ پرتره مستند است با او برخورد داشتم در آن شرایط صحبت‌هایی که با هم داشتیم هر دوی ما را به این نتیجه رساند که از لحاظ دیدگاه بسیار به هم نزدیک هستیم. لنگرودی در شرایط سخت کاری همیشه پر انرژی بودند و این انرژی را به گروه نیز منتقل می‌کردند.

■ **شمس لنگرودی:** به نظر من نباید مستند پرتره را درست کم گرفت شخصاً قبل از این فیلم‌ها گمان می‌کردم که ساخت این فیلم‌ها ساده باشد اما کاری است بسیار حساس برای این که باید تلاش زیادی کرد تا آنچه را که خودمان هستیم در فیلم ببینیم. چند فیلم پرتره قبلی که از من توسط کارگردان‌های جوان ساخته شد آن چیزی که در پایان کار دیدم با شخص من بسیار متفاوت بود. در یکی از این فیلم‌ها با سازنده‌اش گفتم که این من نیستم و شمال کاپن را نشان داده‌اید.

■ **مازیار فکری:** متأسفانه برخی فکر می‌کنند که ساخت مستند پرتره کاری سهل و ممتنع است در مورد شمس لنگرودی پرتره‌های مختلفی ساخته شده است که بسیاری از آن‌ها موفق به نمایش نشده‌اند. در واقع کارگردان خیلی خوب سعی کرده در برخی از صحنه‌ها به سوژه نزدیک شود. فیلم بسیار دوست‌دانه پیش رفته است و ما لحظات و دقایقی را شاهد هستیم که شاید در شرایط عادی خیلی جذاب نباشد اما به دلیل پرداخت خوب جذاب شده است.



## Documentary Formula

The evening workshop of the 2nd day was held on the subject of 'Semiology in Documentary Film-making'. Mohammad Shahba, PhD, has been focused on cinematic studies for many years. "Semiology has become a tool for analyzing the artistic works", he mentioned.



## فرمول مستندسازی

محمد شهبها در دومین کارگاه تخصصی روز دوم از «نشانه‌شناسی در فیلم مستند» گفت

کارگاه آموزشی عصر

موضوع کارگاه: نشانه‌شناسی و فیلم مستند

مهمان: دکتر محمد شهبها / محقق و مدرس دانشگاه

عصر دومین روز از هشتمین جشنواره بین‌المللی «سینما حقیقت» دکتر محمد شهبها در جمع مستندسازان به مقوله نشانه‌شناسی فیلم مستند پرداخت. دکتر شهبها فارغ‌التحصیل دکترای روانشناسی از دانشگاه انگلیا انگلستان است و سال‌ها فعالیت‌هایش بر مطالعات سینمایی متمرکز بوده است.

دکتر محمد شهبها در ابتدای صحبت‌های خود در کارگاهی که به مباحث نشانه‌شناسی می‌پرداخت گفت: «نشانه‌شناسی، که موضوع آن چگونگی تولید معنا در جامعه انسانی است، به ابزاری برای تحلیل آثار هنری بدل شده است. برخی از نشانه‌شناسی به عنوان نقد آثار مستند استفاده می‌کنند که اگر نگاهی به تاریخ بیاندازم متوجه خواهیم شد که با این روش به نتایج مطلوبی نرسیده‌ایم. باید با توجه به نشانه‌شناسی یا رمزگانه‌هایی که در فیلم وجود دارد نه به نقد بلکه به تحلیل اثر بپردازیم. باید بدانیم که تمام نماهای یک فیلم می‌تواند برای یک رمزگانه و یا نشانه باشند اما باید دقت کرد که مهم‌ترین آن‌ها را پیدا و بررسی کنیم. البته نکته دیگری که در اینجا حائز اهمیت است این است که نماهای مهم از دیدگاه افراد متفاوت است و هر کسی با توجه به نوع نگاه و تفکرش این کار را انجام می‌دهد.»

### در باره رمزگانه هرمنوتیک

شهبها در ادامه افزود: یکی از رمزگانه‌های مهم دیگر رمزگانه هرمنوتیک است. هرمنوتیک به این معنا که در اثر سوال‌هایی از رازهای مختلف برای مخاطب به وجود می‌آید که در همان اثر به آن باید پاسخ داده می‌شود. ایجاد رمزگانه هرمنوتیک از اسم یک فیلم می‌تواند شروع شود. مثلاً مستندی با نام «آن شب که باران آمد» توانسته در درون خود پرسش ایجاد کند که در کجا و کدام شب باران آمد؟ این مدرس دانشگاه در ادامه با اشاره به اینکه اطلاعات در فیلم مستند باید به درستی در کنار هم قرار بگیرند گفت: «رمزگانه کشش روایتی نیز یکی دیگر از رمزگانه‌ها و نشانه‌شناسی‌های مهم در فیلم مستند است. باید در این مسیر دقت کرد که کدام رمزگانه‌ها اطلاعات را تکمیل می‌کنند.»

### مستندسازی فرمول دارد

دکتر شهبها در ادامه گفت: «رمزگانه‌های اعتباری در تاکید رمزگانه‌های فرهنگی دیده می‌شوند اگر بر روی تصویر میدان آزادی یک رادیو عنوان کند که «اینجا تهران است صدای رادیو پیام» ما به واسطه آن به مخاطب عنوان را واضح تر و با تاکید بیشتر منتقل کرده‌ایم.» وی در پایان با کنایه گفت: مستندسازی فرمول دارد همانند ساخت فیلم‌های داستانی اما در تلویزیون ما یک فرمول مشخص دارد؛ مستندسازی در تلویزیون یعنی پیدا کردن هر شخصی که حاضر به گفت‌وگو است و هر فردی که قبول می‌کند این فیلم را تدوین کند و فرستادن آن برای هر شبکه‌ای که خواهان پخش آن شود!

## Unveiling a New Book

Ahmad Zabeti Jahromi's new book, 'Morphology and Typology of Documentary Film-making', was unveiled yesterday during the 2nd day of the Cinema Verite festival by the presence of the well-know figures, such as Akbar Alami, Shams Langeroudi and Shahin Amin.



## به افتخار «روح بزرگ»

رونمایی از کتاب تازه دکتر ضابطی جهرمی حال و هوای خاصی به روز دوم جشنواره داد

نام کتاب: شکل‌شناسی و گونه‌شناسی فیلم مستند

مؤلف: دکتر احمد ضابطی جهرمی

مهمانان: احمد ضابطی جهرمی، اکبر عالمی، شمس لنگرودی، شاهین امین

در نخستین نشست از سلسله نشست‌های رونمایی کتاب‌های منتشر شده معاونت تحقیقات و پژوهش مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی، روز گذشته کتاب «شکل‌شناسی و گونه‌شناسی فیلم مستند» به قلم دکتر احمد ضابطی جهرمی در سینما فلسطین رونمایی شد که استقبال ویژه مخاطبان و نیز حضور مهمانان فرهیخته‌ای همچون دکتر اکبر عالمی و استاد محمد شمس لنگرودی حال و هوای ویژه‌ای به آن بخشید. شعر خوانی شمس لنگرودی با درخواست دبیر جشنواره و نیز مطایبه‌های دکتر عالمی صحنه‌های ماندگاری را در این نشست برای حاضران خلق کرد.

شاهین امین: وقتی در یک ساعت کتاب تازه دکتر ضابطی جهرمی را تورق کردم، مثل همیشه از آثار ایشان شگفت‌زده شدم. حتی برای افرادی که به صورت حرفه‌ای درگیر سینمای مستند نیستند و تنها پیگیر سینما هستند می‌توانند از این کتاب استفاده کنند. متن روانی که نتیجه سال‌ها پژوهش و ممارست علمی است. مضاف بر اینکه اطلاعات و ظرایف دقیقی در زمینه گونه‌شناسی سینمای مستند در کتاب هست که برای آشنایی با این بحث کفایت می‌کند. برای هم سن و سال‌های من که به صورت قطره چکانی مطالبی در باره سینمای خواندیم برنامه هنر هفتم یک اتفاق ویژه بود. خیلی از فیلم‌های تاریخ سینما را با هنر هفتم دیدیم و به همین دلیل هر وقت استاد عالمی را می‌بینم شگفت‌زده می‌شوم.

دکتر اکبر عالمی: در برنامه هنر هفتم هر گاه مستأصل می‌شدیم که کسی را برای نقد فیلم دعوت کنیم. ایشان مثل یک دایره‌المعارف زنده حاضر می‌شدند. آن روزها IMDb نبود که به آن مراجعه کنیم. دکتر جهرمی می‌آمد و باعث اعتبار برنامه می‌شدند. دکتر ضابطی جهرمی شاگردانی را تربیت کرده‌اند که امروز استاد هستند و آنها هم استادان دیگری را تربیت کردند. کلاس استاد ضابطی جهرمی تنها کلاس درس نبود در باره آدم بودن و آدم شدن بود. یاد می‌داد به همه که برای ساختن فیلم خوب باید خوب دیده باشید و خوب خوانده باشید. کلاس‌های ایشان واقعاً فراموش‌نشده است. حضرت نظامی می‌فرمایند: «خداوند راه توفیق بنماید/ نظامی را در تحقیق بگشای» این کتاب تحقیقی مصادق بارز این بیت است.

دکتر احمد ضابطی جهرمی: من هفت سالم بود که اولین بار فیلم دیدم. اگر بخواهید آنچه بر روح من در این دوران مستولی شده را به حساب آورید باید از سال ۳۷ حساب کنید. بنده از همان ۷ سالگی شیفته سینما بودم و در هفت سالگی «روح بزرگ» را ملاقات کردم. از آن روز من در اندیشه سینما بودم و به قول بونوفت تا آخرین نفس پیگیر آن خواهم بود. برای این کتاب هر آنچه در توان داشتم گذاشتم. برای تألیف این برگ سبزه تحفه درویش تمام توانم را به کار بردم. برای کشورم باید تمام توانم را بگذارم. هنوز هم دلم می‌خواهد چیزهایی را به این کتاب اضافه کنم. دوستانم در مرکز گسترش می‌دانند که من کتاب کامل را به مرکز تقدیم کردم. دوست داشتم این کتاب را مرکز گسترش منتشر کند. این کتاب را باید مرکز منتشر می‌کرد. از این بابت هم خوشحالم و هم به آن افتخار می‌کنم. من هنوز کاری برای «روح بزرگ» نکرده‌ام.



## حرکت در جاده دو طرفه

مهوش شیخ‌الاسلامی که امسال به عنوان داور بخش بین الملل در جشنواره سینما حقیقت حضور دارد و ویژگی‌های فیلم‌های رسیده، نقاط ضعف و قوت آن‌ها و راهکارهای تعامل با سینمای مستند جهان گفته است

شیما انتظاری مقدم

shima.entezari@gmail.com

مهوش شیخ‌الاسلامی فیلمساز است؛ سال‌ها فیلم‌های مستند ساخته و جوایز داخلی و خارجی کسب کرده. تحقیق و پژوهش، تدوین، نگارش فیلمنامه و حتی ساخت موسیقی فیلم‌هایش را گاهی یک‌جا خودش انجام می‌دهد. امسال داور بخش مستندهای کوتاه و نیمه بلند بخش بین الملل جشنواره است؛ در کنار «جیونا نازارو» ایتالیایی و «یاقوت جوده سعیدالدیب» مصری. پس هر آنچه می‌گوید پشتوانه دانش و تجربه دارد. با شیخ‌الاسلامی درباره فیلم‌های بخش بین الملل جشنواره هشتم، سینمای مستند و راهکارهایی برای تعامل سینمای ایران و جهان به گفت‌وگو نشستیم.

**شما داور بخش بین الملل جشنواره سینما حقیقت هستید و آثار بین المللی متفاوتی را دیده‌اید. بر همین اساس چه تفاوتی میان مستندهای تولیدشده در ایران با سایر کشورها مشاهده می‌کنید؟**

بیشترین عامل تفاوت در مستندهای ایرانی با خارجی در درجه اول به آزادی‌های ما برمی‌گردد. ما از جهات مختلف آزادی‌های لازم برای آنکه بتوانیم مستندهای باب میل ما را بسازیم نداریم. مستندساز باید بتواند از هر آنچه که می‌بیند، دوست دارد و مورد توجه‌اش قرار می‌گیرد، فیلم بسازد. بحث من سیاسی نیست، از زوایای مختلف این آزادی برای مستندسازان ایرانی وجود ندارد و خط قرمز همواره در ذهن مستندساز نقش می‌بندد. البته من فکر می‌کنم مستندسازان ایرانی محشر می‌کنند؛ ایده‌های نو و کارهایی که ارائه می‌دهند خارق‌العاده است. این در شرایطی است که مستندسازان ایرانی کمتر به آثار بین المللی دسترسی دارند.

**خط قرمزها در سایر کشورها نیز به گونه دیگر وجود دارد. در نتیجه عوامل دیگری غیر از آزادی نیز مهم است.**

بله، مورد دیگر، مسئله حمایت است. منظور من از حمایت، صرفاً حمایت دولتی نیست. ما جایی نداریم که بودجه لازم برای کمک به مستندساز بپردازد. یا حتی اگر مستندساز، خود اثری خلق کند، جایی ندارد که بتواند برای فروش اثر به آنجا مراجعه کند. واضح است که تنها با فروش یک فیلم و کسب درآمد می‌توان تولید فیلم بعدی را آغاز کرد. در شرایط فعلی این امکان وجود ندارد. یک مستند، هر چقدر هم خوب باشد دیده نمی‌شود چرا که تهیه‌کننده‌ای برای اثر و مکانی برای نمایش آن نیست.

**یعنی شما سینمای مستند در کشورهای دیگر را بدون مشکل می‌دانید؟**

در سینمای بین الملل مشکل وجود دارد، اما نسبت به مشکلات ما بسیار کمتر است.

شرایط فستیوال‌ها و مکان‌های فروش مستند در دنیا از ۱۰ سال پیش که من شرکت می‌کردم تاکنون تحول بسیاری داشته و راه‌های بسیاری برای سینما مستند گشوده شده، تا جایی که نمایش فیلم مستند در جشنواره معروف و شناخته شده‌ای چون کن نیز جایگاه خود را به دست آورده است. ولی ما هنوز به هیچ یک از این درجه‌ها نرسیدیم. همین می‌شود که گل پر برگ مستند ایرانی، دانه دانه بر زمین می‌افتد و امکان رشدش هم دیگر فراهم نمی‌شود.

**پس معتقدید که مستندسازان ایرانی با مستندسازان بین المللی می‌توانند برابری کنند؟**

نمی‌خواهم از کلیشه‌ای چون ایرانی‌ها از هوش سرشاری برخوردارند استفاده کنم اما معتقدم اگر آزادی و امکانات جهانی به فیلمسازان ایرانی داده شود، آثار فوق‌العاده‌ای ساخته می‌شود و قطعا می‌تواند با آثار فیلمسازان جهانی برابری کند.

**در میان مستندهایی که دیده‌اید، آثار کدام کشور بیشتر مورد توجه شما قرار گرفته است؟**

نمی‌توانم دقیقاً بگویم کدام کشور چرا که هر سال و هر زمان از اقصی نقاط جهان فیلم‌هایی به بار می‌نشیند که آدم را متحیر می‌کند. زمانی انگلیس آثار خوبی ارائه می‌کرد اما در حال حاضر، گاه از کشوری عقب افتاده مستندی نمایش داده می‌شود که به مراتب بهتر از کشورهای پیشرفته جهان است. این جریان با مسائل روز و تکنیک پیش می‌رود و در تمام دنیا پراکنده شده است. من صرفاً بیننده آثار زیبا از تمام نقاط جهان هستم.

**فکر می‌کنید فیلم‌های بخش بین الملل جشنواره سینما حقیقت، بتواند نظر مخاطب را جلب کند؟**

در میان مستندهای کوتاه خیلی از این بابت مطمئن نیستم اما در میان آثار بلند ارائه شده، فکر می‌کنم بتوانیم چند اثر مخاطب‌پسند بیابیم. مرکز گسترش سعی خود را کرده است تا قانونمند و با برنامه‌ریزی پیش برود و آدم‌های قابل احترامی را نیز به جشنواره دعوت کرده است. مطمئناً این روال باعث شده تا فیلم‌ها نیز سطح بهتری نسبت به گذشته داشته باشند.

**برای تقویت این بخش چه پیشنهادی دارید؟**

این موضوع بسیار گسترده است و بستگی به شرایط سیاسی و روز دارد. هر چه دولت ایران قوی‌تر باشد، بیشتر مورد قبول کشورهای دیگر قرار می‌گیرد. در این صورت فیلم‌هایی با سطح کیفی بالاتری برای ما ارسال می‌شود. همچنین تهیه‌کنندگان و کارگردانان بنام نیز به خاطر اعتماد به کشور ما، آثارشان را برای نمایش در اختیارمان قرار می‌دهند. از طرف دیگر باید سیاست‌ها به گونه‌ای تعریف شود که حداقل ممیزی بر فیلم‌های دریافتی انجام شود. مستندسازان جهانی اجازه نمی‌دهند آثارشان قیچی شود. در نتیجه فیلم‌هایی وارد ایران

### مستند باید جذاب باشد

به نظر من یکی از علت‌های دوری مردم از سینمای مستند، غم‌انگیز بودن آنهاست؛ آثار طولانی و غمگین. برخی از آثار بودجه کمی داشتند و به دلایلی نتوانستند ایده خود را پیاده کنند و ضعف آن خیلی بد به چشم بیننده می‌رسد. برخی آثار موسیقی خوبی ندارند. ما به موسیقی خوب اهمیت نمی‌دهیم. نمی‌دانیم موسیقی چه اثری بر فیلم دارد و در کدام سکانس‌ها می‌تواند یک اتفاق زیبارا شکل دهد تا به فیلم کمک کند و از یکنواختی آن جلوگیری کند. قدیم تر بنا به روشی از تلویزیون موسیقی «باد» ابر فیلم‌هایی انداختند که با وجود تأثیراتی که هنوز بر جای گذاشته است، از بین رفته است. ما برای مخاطب جذابیت لازم را ایجاد نمی‌کنیم.

### اصل مطلب



# مستندساز زنده ترین آدم دنیا

رضا کیانیان مهمان ویژه نشریه روزانه در دومین روز جشنواره بود. ما بین او و مدیران جشنواره صحبت‌های شوخی و جدی جالبی پیش آمد

محمد صادق شایسته

Mshayesteh84@gmail.com

رضا کیانیان یکی از معدود هنرمندان چند وجهی ایران است. بازیگری، مجسمه‌سازی، نویسندگی، عکاسی و حتی متصدی حراجی. شاید همین‌ها به اندازه کافی بهانه خوبی باشند تا او را به عنوان مهمان ویژه به جشنواره دعوت کنیم. با اینکه سرش حسابی شلوغ است و این روزها ۷ صبح از خانه بیرون می‌آید و ۱۱ شب به خانه برمی‌گردد؛ اما می‌گوید سینمای مستندارزشی بیش از این‌ها دارد و طبعاً چنین نگاهی پیشنهاد حضورش در جشنواره و گپ و گفتی صمیمی در خصوص سینمای مستند را می‌پذیرد. البته که او ارتباط جالبی هم با دنیای مستند دارد و یکی از معدود بازیگران سینمای ایران است که برایش مستند ساخته شده. مستندی به نام «بعد از خانم آقای شماره باز ده» به کارگردانی طاهاشجاع نوری که به قول خود کیانیان تصویر کیانیان باز یگر نیست بلکه تصویری از زندگی اوست با همه جنبه‌هایش. کیانیان تجربه آن مستند را دوست داشت چرا که به اعتقادش کارگردان خلاقیت به خرج داده و سوژه‌ای که تقریباً همه به یک شکل به آن می‌پردازند (مستند پرتره) را از زاویه نگاه جدیدی ساخته و پرداخته است. زاویه نگاه جدید همان چیزی است که کیانیان معتقد است مدیوم‌های مختلف فیلمسازی در ایران که مستند هم شامل آن می‌شود به آن نیاز دارد. هر چند او برخلاف خیلی‌ها معتقد است امروز سینمای ایران به خصوص در زمینه مستند و کوتاه یکی از شناخته شده‌ترین و قابل بحث‌ترین سینماهای دنیاست. حضور او در جشنواره مستند کوتاه بود اما با استقبال بسیار خوبی مواجه شد. حرف‌های زیادی بین کیانیان و ما ردوبدل شد که در گزارشی که در ادامه آمده مهم‌ترین صحبت‌های ما با او را می‌خوانید.

مشروح گزارش در صفحات ۸ و ۹



## Moving in a Two Way Road

Mahvash Sheikholslami is present in this year's festival as one of the jury members of the 'International' section. She is a filmmaker who has made documentary films for many years and was awarded in different local and international festivals. "The most remarkable difference between Iranian and non-Iranian documentaries rooted in our liberations. Documentary filmmakers should be able to make films about whatever they see and like. I'm not talking about politics. There is not enough liberation for Iranian filmmakers due to various issues", she explains.

می‌شود که قابل نمایش باشد. برخی آثار قوی در جهان وجود دارند که مسائل غیرقابل نمایشی چون روابط نامشروع یا سیاست‌های غلط ندارند و می‌توان با نادیده گرفتن برخی موارد، آنها را در ایران نمایش داد. حضور این فیلم‌ها باعث رونق گرفتن جشنواره سینما حقیقت می‌شود. در صورتی فیلمسازان خارجی آثار نمایش اول خود را به ایران اختصاص می‌دهند که به جشنواره‌های جهانی نرسیده باشند. البته آقای طباطبایی نژاد در مصاحبه‌ای گفته بودند که از سال آینده فیلم‌ها با درجه کیفی A وارد ایران می‌شود که این موضوع امیدوارکننده است و اتفاق فوق‌العاده‌ای می‌تواند باشد.

**و حتما تقویت حضور فیلمسازان ایرانی در عرصه جهانی هم می‌تواند در رشد حضور فیلمسازان شناخته شده در کشور ما تاثیر داشته باشد.**

دقیقا همین طور است. ایران در این زمینه فعالیت خود را آغاز کرده است. البته تاثیر آن صرفاً به همین موضوع محدود نمی‌شود و در تمام ابعاد فیلمسازی ما موثر است.

**بخش بین‌الملل برای مستندسازان ایرانی چه دست‌آوردهایی می‌تواند داشته باشد؟**

مستندساز ایرانی در رابطه با تماشای آثار بین‌المللی بسیار فقیرند. عدم تماشای آثار بین‌المللی باعث عقب‌گرد فیلمسازان ما می‌شود. مستندسازان برای تماشای آثار بین‌المللی باید تلاش بسیار داشته باشند و از طریق اینترنت و دیگر وسایل به این آثار دسترسی پیدا کنند. بخش بین‌الملل جشنواره سینما حقیقت این فرصت را برای آنها فراهم می‌کند. البته مستندهای بخش بین‌الملل جشنواره همیشه با استقبال بسیار روبه‌رو می‌شود. حتی خودم با دیدن این فیلم‌ها که چندان عجیب و غریب هم نبود نکات جالبی را متوجه شدم. در کنار این نمایش‌ها، ورکشاپ‌هایی که در زمان جشنواره برگزار می‌شوند نیز برای مستندسازان موثر است. یک روز حضور، یک جمله آموختن، یک صحنه دیدن به پیشرفت ما کمک خواهد کرد.

**البته اگر فیلم‌های بخش بین‌الملل فرصت نمایش عمومی داشته باشند تاثیر گذاری بیشتر خواهند داشت.**

بهترین جایگاه مستند در تلویزیون است که شبکه‌هایی هم به آن اختصاص داده شده است. این آثار باید در تلویزیون به نمایش درآید. نمایش بخش مستند اجتماعی در تلویزیون بسیار ضعیف است. بیشتر مستندهای ما به راز بقا و حیات وحش اختصاص دارد. بخش این قبیل آثار در تلویزیون باعث می‌شود مخاطب به مرور زمان با آن ارتباط برقرار کرده تا جایی که پس از گذشت دوره‌ای، امکان نمایش مستندهای بین‌المللی در گروه سینما هنر و تجربه فراهم می‌شود. باید از طریق تلویزیون جهان بینی مردم گسترش پیدا کند و آموزش‌های لازم به مخاطبان داده شود. مخاطب ایرانی، در حال حاضر جز مستندهایی از ایران، تماشاگر مستندی نیست. نباید فراموش کرد که دنیا، فقط ایران نیست.

**ارزیابی شما از جشنواره امسال چیست؟**

فکر می‌کنم جشنواره امسال به شکل متفاوتی برگزار شود؛ همه خوشحالند و امیدوار. من فرد خوش‌بینی هستم و بر همین اساس امیدوارم که استقبال خیلی خوبی انجام شود.

Interview

No.3 Tue, 2nd Dec 2014

CINEMA VERITE Iran International Documentary Film Festival

7



و این یعنی تمام قواعدی که قتل‌ادر سینمای مستند وجود داشت در حال حاضر دیگر گون شده است. پس زمانی که امروز در مورد باید و نبایدهای سینمای مستند صحبت می‌کنیم باید یادمان باشد انقلاب دیجیتال هم رخ داده و فیلمساز و بیننده‌اش کل تغییر کرده است. استادان کلاس بعد از صحبت‌های من گفت چه جالب من تا به حال از این زاویه با داستان نگاه کرده بودم و ماقطاً در دانشگاه بحث انقلاب دیجیتال در سینمای مستند را پیگیری خواهیم کرد ولی خوب نمی‌دانم واقعا ان‌ها این کار را کرده‌اند یا نه» بعد از این گیتان روزه رزاق کریمی‌گندو می‌گوید: «حالا شاید بهتر حرف شما را متوجه شویم که گفتید مستندسازی امروز در خیلی جاها متمم ردیف اول است چرا که اگر شما حتی عطسه هم بکنم بلافاصله فیلمش در همه شبکه‌های اجتماعی وجود دارد. گیتان حرفش را این گونه به پایان می‌برد که با این شرایط مستند می‌تواند یک قدرت برتر باشد و همه دولت‌های جهان علاقه‌مندند چنین قدرتی را در اختیار داشته باشند.

## داوود این گونه حمایت کند که...

گیتان در صحبت‌هایش به این نکته اشاره کرد که دولت باید نقش حمایتی را برای سینما داشته باشد، از وی پرسیم به نظر او این نقش حمایتی معنایش می‌شود؟ می‌گوید همین مثالی که برای انقلاب دیجیتال و تاثیرش در سینمای مستند زدم نیاز به شناخت و اطلاعات کافی دارد مستندساز هم که نه امکانات آنچنانی دارد و نه توان جمع کردن همه دور هم، اینجاست که دولت می‌تواند همه را دور هم جمع کند و از امکاناتی که دارد هم استفاده کند تا برای مدیر و هنرمندش انقلاب دیجیتال را تمام درک متقابل تشریح کند و در چه‌های جدیدی برای پیشرفت و مخصصش تشریح کند و در چه‌های جدیدی برای پیشرفت و از برای وی که ششایی با همین موضوع در رسال گذشته خبر داد. و رک ششایی که به گفته او با استقبال بسیار خوبی از سوی مخاطبین مواجه شد. گیتان هم از اینکه چنین نگاهی در بین فعالان فنی عرصه مستند وجود دارد این دست برای به روز کردن سینمای ایران در بخش‌های مختلف ادامه داشته باشد، چرا که به اعتقاد او یکی از مهم‌ترین کمبودهای سینمای ایران در میوه‌های مختلفی کمبود پژوهش و آگاهی از تغییرات فنی و حتی جامعه‌شناسی سینماست.

## به خودتان نگانی دهید

بحث به گلابهای نسل جوان از کمبودها و محدودیت‌ها می‌رسد. گیتان این گلابها را قبول ندارد و خیلی مختصر و مفید می‌گوید یک مستندساز و اصلا یک هنرمند باید فکر کند هیچ دولتی وجود ندارد که از او حمایت کند و پولش را بدهد باید فکر کند تک و تنهاست و خودش باید استیض را بالا بزند تا شرایط را برای کارش فراهم کند. گیتان می‌گوید هنرمند به خودش در این عرصه نباید خسته شود و باید تکانی به خودش بدهد. قرار نیست که هنرمند بنشیند یک گوشه و انتظار داشته باشد همه چیز برایش مهیا و فراهم شود باید تلاش کند و سختی بکشد و برای تهیه حرف‌هایش هم حکایت جالبی را روایت می‌کند: «حرف در خانه شنیده بود و می‌گفت که خدا طعام من را می‌رساند، یک روز، دو روز، سه روز می‌نشیند و کم به حال مرگ می‌افتد و یک روز سوما می‌خورد و عطسه‌ای می‌کند، بعد صدای در می‌آید و یک نفر برایش غذا می‌آورد می‌گوید پس چرا ایقدر دیر فرستادی و جواب می‌شود خوب تو یک عطسه بکن لامصب!»

حامد خورشیدی انشری به روزانه



## An Independent Territory

Reza Kianian, born in 1951, is an Iranian well-known actor and writer. His most famous works includes 'The Glass Agency', 'The Fish Fall in Love, Too', 'Red Ribbon' and 'A Cube of Sugar'. In an exclusive interview, Kianian tells about his deep respect for documentary cinema. He mentions his keen interest in documentaries and states that he follows this event every year. "Although I do not think documentary cinema could be a support for fiction movies, as it has its own independent world. Nobody should expect that documentary cinema to have the general public as the main audience", Kianian explains. He also adds, "A documentary filmmaker or an artist should think in a way that there is no government to give him support".

## گزارش ویژه



کتابیان حضور

از صحبت مشترک کتابیان ک رازاق کریمی فارغ می‌شودیم و فرصت دست می‌دهد تا چند سوال کوتاه از او بپرسیم. اول به سراغ این می‌رویم که آیا اولین مستندی که دیده‌است را به خاطر دار؟ البته خود می‌زند و به موی سپیدش اشاره می‌کند و می‌گوید نه، می‌گویم تاثیر گذار تر پیش را چسپی؟ کمی فکر می‌کند و می‌گوید: «مستندی بود که یک امریکایی در خصوص کوچ‌های مساجدها بود به نام «عشق» که البته حدود ۲۰ سال پیش به چندتا چینه‌های ایرانی توصیه کرده با همین محوریت مستندهای دیگری هم بسازند که فکر می‌کنم یکی دو کار ساخته شده هنوز هم مستخدم می‌توان مستندهای بیشتری از آن ساخت. یکی دیگر بود به نام «نادصبا» که کارگزارش یک نفر انوسوی به نام «البر لامورس» بود. بارها این مستند را دیده‌ام و هیچ وقتا از دیدنش سیر ننگه‌ام.» کتابیان در توصیف فیلم مستند می‌گویند که مستند همیشه در پس ذهن او وجود دارد چرا که هر لحظه حاضی بالانق خاصی را که می‌بیند ناگهان در ذهنش جرقه‌ای می‌خورد که یکی باید باشد که بتواند این لحظه را ثبت کند. به نظر او مستندسازی یعنی به لحظه بودن و تلاش را «اکولراب» گیارستی می‌داند. مثل همان زمان که گیارستی حسین سبزیان را شکار کرد و یک ثبت تاریخی انجام داد. کتابیان به ساعتش نگاه می‌کند، زمان رفتن به تالار وحدت رسیده است و باید تا چند ساعت دیگر در لباس سرتامس مورروی صحنه حاضر شود. قبل از خارج شدن از اتاقی که در آن بودند ناگهان محمد آفریده وارد می‌شود. کتابیان سلام و علیک گرمی با او می‌کند و به شوخی می‌گوید چرا شما همیشه همین قدر جوان هستید؟ و همه می‌خندند. به سمت در خروجی می‌رویم که با یک عالمی مواجه می‌شویم. صحنه‌های عجیب خلق می‌شود. هر دو نفر از دیدن هم ذوق زده می‌شوند و کتابیان که تا چند لحظه پیش در ترش شده بود به احترام مردی که مدار او را رسان خطای می‌کند چند دقیقه‌ای می‌ایستد و با او گفت‌وگو صمیمانه‌ای انجام می‌دهد. جداحافظی او با عالمی نقطه پایانی است بر حضور یک ساعت این بازیگر در جشنواره فیلم‌فست.



و

کتابیان: یک مستند ساز  
و اصلا یک هنر مند را باید فکر  
کند هیچ دو لایی  
وجود ندارد که  
از او حمایت کند  
و پولش را بدد  
باید فکر کند  
تکو تنهاست  
و خودش باید  
آستینش را  
بالا بزند

رديف اول بوده است. کتابیان هم تا کدی می‌کند و می‌گوید: «لاايل اين امر از نام خود مستند می‌آید، مستند، مدرک!» کتابیان بار دیگر در این نکته تاکید می‌کند که سینمای مستند همه گیر نیست جز در زمان وقوع و اتفاقات بسیار مهم سیاسی - اجتماعی، چرا که از جامعه مردم دوست دارد زیند ببیند چنانچه اتفاقی افتاده است. به اینچا کمی رسد کتابیان خاطره‌ای از سفرش به آمریکا و بازدید از اکادمی اسکار را تعریف می‌کند: «در سفرمان که از طرف خانه سینما رفتیم بودیم یک روز ما را به دانشگاه «USC» بر بردند.

اتفاق زمانی ما آن جا رسیدیم سر کلاس سینما بحث سینمایی مستند مطرح بود و استاد کلاس داشت در این خصوص صحبت می‌کرد. آن ها که نمی‌دانستند ما که هستیم ولی به دلیل اتفاقات اجتماعی - سیاسی آن دوران دقیقا از حال و هوای ایران خبر داشتند. دوستان آن جا گفتند من به نمایندگی از قبیه صحبت کنم در صحبت‌هایی که با دانشجویان آن دانشگاه داشته‌ام. هم روی این نکته تاکید کردم که مستند مخاطب عام ندارد و اگر آن محدودی برایش در نظر گرفته می‌شود اما این اتفاق می‌افتد که باوقایع اجتماعی مهم مخاطبین کارهای مستند بیشتر از هر کدام از آثار سینمایی می‌شوند و تمام شبکه‌های مهم جهان فیلم‌های مستند آن واقعه را همزمان روی آنتن خود می‌برند و در آن واحد همه مردم در حال ساختن فیلم مستند و مشارکت در به تصویر کشیدن آن واقعه اجتماعی هستند. خب این اتفاق متعلق به بعد از انقلاب در دیجیتال است و قبل از آن چنین امکانی وجود نداشت. همه چیز در لحظه است

ادبیات می‌زیست که آیا به نظر او سینمای داستانی با مستند هم باید همین ارتباط تنگاتنگی داشته باشد که کتابیان بلافاصله و با تاکید می‌گوید: «صد رصدا» و ادامه می‌دهد: «البته من به سینمای مستند به عنوان پشتوانه سینمای نگاه نمی‌کنم چرا که خوش فکری مستندی دارد. سینمای داستانی با مخاطب عام طرف است ولی قطعا هیچ کس نباید انتظار داشته باشد سینمای مستند هم مخاطب عام داشته باشد. سینمای مستند مسابقات و مخاطبین خاص خود را دارد اما کسی که در زمینه اثر سینمایی داستانی کار می‌کند هم باید به تعداد زیادی فیلم مستند ببیند و هم فیلم کوتاه کتابیان روی این نکته تاکید می‌کند که سینمای مستند بخش مهمی از تکمیل شدن فیلم‌ها در یک فیلم‌ساز داستانی برای ارتباط برقرار کردن دقیق در دست با مخاطبین عام است. رزاق کریمی حرف‌های کتابیان را تایید می‌کند ولی در ادامه بحث جالبی را با کتابیان پیش می‌کشد.

مستند یعنی سند و مستند یعنی قدرت رزاق کریمی به کتابیان می‌گوید سینمای مستند به خصوص در یکی دو سال اخیر خیلی نزدیک به فضای جامعه شده و مهمی آن حرکت می‌کند. چه به لحاظ سیاسی و چه به لحاظ اجتماعی اما سینمای داستانی در این سال‌ها خیلی عقب‌گرد داشته است. کتابیان کمی سکوت می‌کند و بعد پاسخ می‌دهد: «اگر شما این حسن را دارید به این دلیل است که سینمای داستانی همیشه زیر تیغ است. هر دولتی می‌آید و هر وزیر و مدیری که عوض می‌شود اول از همه یقه سینما را می‌گیرد. اگر سینما بوده که همه بدبخشی‌ها و خوشبختی‌ها را به وجود آورده است. در حالی که واقعا سینما فقط نمایش فیلم است. اتفاق آن چنانی هم قرار نیست ببقند. حتی به برخی از دوستانی که ملامت سینما گیر می‌دهند می‌گویم دوستان خود شما هم کد فیلم ساخته‌اند آن هم با بهترین امکانات که در همه این‌ها فقط به مستند رخ نداده است چرا که جامعه‌خاغ از همه این‌ها فقط به مستند خوش اندام می‌دهد.» کتابیان معتقد است عقیدت سینمای داستانی به دلیل گیر دادن ملای متعددی به آن است. صحبت‌های کتابیان تمام می‌شود و انگار داغ در زلزل می‌کشد که هم تازه شده باشد می‌گوید در این سال‌ها سینمای مستند هم همیشه مهم

عاشق باشیدا!



همیشه برای بچه‌های جوان یک مثالی را مطرح می‌کنیم. به آن‌ها می‌گویم: شماها تا به حال عاشق شده‌اید؟ اگر نشده‌اید (نه خندانند) وقتی که عاشق شدید چه کار می‌کنید که به عشقتان برسید؟ جواب همه یکی است: هر کاری، حتی وقتی همه درها بسته است و می‌داند که به او نمی‌رسند باز هم شپ‌ها را کوچ‌هاش رد می‌شوند تا ببینند چراغ طاغش روشن است و با چراغ روشنش اطاش حال می‌کند و به خانه می‌روی که دید، اگر یک روزی یکی از توپیر سندا از اینکه این همه دنبال او رفتاری ولی به نتیجه نرسیدی. حسنه شنده‌های شما ناگهان می‌فهمید دنبال او تنها چیزی که فکر بر زکورد است بوده است آن کسی که حسنه می‌شود حسنه نننده بلکه می‌خواهد پرو و خواستگاری. وقتی عاشق می‌شوند همه به شمامی گوبند مگر این طرف چه چیزی دارد؟ فلافلی که خوشگل تر است، بهمانی که بهتر است و راست هم می‌باشد که در چه چیزها را نمی‌پذیرد، در هنر هم ماجرا همین است. یک عده می‌روند خواستگاری و معامله می‌کنند و یک عده هم فقط عاشقند ما که عاشق بودیم، شما هم عاشق باشیدا.

رضا کتابیان برای سینمای مستند ارزش و اعتبار زیادی قائل است. برای اثباتش همین بس که وقتی او ابروای حضور در جشنواره به عنوان یکی از مهمان ویژه دعوت کردیم با اینکه از صبح سه فیلم‌سازی است و بعدا ظاهر هم باید به تالار وحدت برود تا نقش «سرتوماس مور» را در نمایش سنگین دو ساخته «مردی برای تمام قصول» بازی کند دعوت ما را پذیرفت و در یک ساعتی که فرصت استراحت داشت به سینما فاسلمطین آمد. به محض ورود کتابیان جمعیتی که در سالن انتظار منتظر آغاز فیلم‌برداری بودند به سراغ او آمدند و شروع به ویش و احوالپرسی می‌کردند. کتابیان هم در تمام طول حضورش در سینما فاسلمطین بدون اینکه لفظ‌های لحنی از صورتش محو شود با همه مخمض سلاو و عینکی می‌کرد. چند دقیقه‌ای از حضور کتابیان نگذشت، بود که محمد مهدی طباطبایی پزاد دبیر جشنواره و مدیر عامل مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی به همراه مرزئی رزاق کریمی معاون فرهنگی مرکز گسترش به استقبال کتابیان آمدند. طباطبایی پزاد در صحبت‌های او به‌اش با کتابیان ضمن تشکر از حضور او در جشنواره گفت: «به نظر م آقای کتابیان یک وجه مشترک با سینمای مستند دارند و آن هم اینکه اهل فضاوند. چرا که به اعتقاد من سینمای مستند بخش فضاوند سینمای ایران است.» این صحبت دبیر جشنواره با خنده و استقبال کتابیان موجه شد و فضای گرمی و گفت‌وگو صمیمی‌تر شد.

از روز توجه سینماگراي عرصه داستانی به آثار مستند کتابیان در ابتدای صحبت‌هایش با دبیر جشنواره، علاقه وافش به سینمای مستند گفت: از اینکه سالانه جشنواره را دنبال می‌کند و هر گاه فیلم مستند به دستش برسد یاد، خانه باشد و بتواند تلویزیون نگاه کند شما سسری به شبکه‌هایی که مستند پخش می‌کنند می‌زند. حرف‌ها دوستانه است و هر از چند گاهی شوخی‌های جالبی بین دبیر جشنواره و رزاق کریمی و کتابیان رد و بدل می‌شود. اما در بین صحبت‌های دوستانه جمع ناگهان رزاق کریمی سوال جالبی از کتابیان می‌کند که توجه او به شدت جلب می‌شود. رزاق کریمی با اشاره به صحبت‌های کتابیان در خصوص لزوم حفظ و افزایش سینمای داستانی، با

مستند ساز زنده ترین آدم دنیا



به نظر من مستند ساز زنده ترین آدم در دنیاست. یعنی لحظه به لحظه دنیا را می‌چسبند و از طرفی گوش به زنگ ترین آدم هم هستند. البته یک سری مستندها هم مثل مستندهای «B.B.C» تولید می‌شوند که در چه یک مستند ولی ساختشان در ای بر نامرئی‌های بلند مدت و طولانی است و یادشان باشد که همین «B.B.C» که امروز بهترین مستندها را می‌سازد و پخش می‌کند هم از ابتدا با یک سری امکانات محدود شروع کرد ولی آن‌ها می‌خواستند که موفق شوند و شدند. مستند ساز شامه تیزی باید داشته باشد اگر بتواند از این شامه تیزی بهتر بن شکل ممکن استفاده کند می‌تواند در هر عصری تاثیر گذارترین آدم و دانش باشد. چرا که چیزهایی را ثبت می‌کند که دیگران نمی‌بینند. یا به آن توجهی نمی‌کنند و یا با آموزش کرده‌اند. مستند ساز لحظه‌ها را زنده می‌کند. یک لحظه فکر کنید کسی تمام لحظه‌های از دست، رفته زندگی شما را از بین می‌بند، لحظه‌هایی که از دست رفته‌اند و زمانه‌ها را که نمی‌داند چه بوده‌اند. مستند ساز همان آدم است. همان آدم که لحظه‌ها را ثبت می‌کند و به بودن علت مستند ساز آدم بسیار مهمی است.



■ نام فیلم: زنده رود  
 ■ کارگردان: جمال اسکویی  
 ■ درباره فیلم: زنده رود همان طور که از نامش برمی آید درباره بارودخانه زاینده رود است که زمانی طول آن نزدیک به حدود ۴۰۰ کیلومتر می‌رسید و این فاصله را طی می‌کرد. اما امروز شاید این مسیر به خاطر مصارف زیاد و جریان خشکسالی به نصف رسیده باشد. روایت زنده رود روایتی از نگاه آب است.



## روایتی از نگاه آب

جمال اسکویی از چگونگی ساخت زنده رود می‌گوید

سال‌ها قبل درباره مسیر زاینده رود یک فیلم ساخته بودم و به خاطر همین تجربه به پیشنهاد دوستان بار دیگر درباره مسیر زاینده رود فیلمی در دست گرفتیم و مشغول ساخت شدیم. آنچه برای ساخت این فیلم مدنظر داشتیم این بود که از سرچشمه رودخانه حرکت کنیم و در این مسیر از صحنه‌هایی که استفاده‌های مختلفی از آب می‌شود را به نمایش در بیاوریم. استفاده‌هایی مثل کاربردهای کشاورزی، اقتصادی، صنعتی، مصرف خانگی و... مدنظرمان بود. ضمن اینکه در این مسیر با توجه به اختلاف‌های فرهنگی که وجود دارد از سرچشمه تا نزدیک اصفهان با پدیده‌های مختلف روبه‌رو می‌شویم که حتماً برای مخاطب جالب توجه هستند. نکته دیگر این که از آنجایی که فیلم از نگاه آب روایت می‌شود تا آنجایی که شد سعی کردیم تصاویر متناسبی از روی آب و زیر آب بگیریم. اما در بخش‌هایی مجبور شدیم از آب فاصله بگیریم چون در یک بخش‌هایی لوله‌کشی و کانال‌کشی می‌شد و نمی‌توانستیم نزدیک شویم. به همین دلیل آن ساختاری که دوست داشتیم دانا همراه آب باشیم در جاهایی از مسیر شکسته می‌شد. فیلم ۱۵ دقیقه است و تصویربرداری کار دو هفته طول کشید. این مجموعه تهیه شده در مرکز چهارمحال بختیاری است و با توجه به امکانات و فرصتی که در اختیار داشتیم مجموعه رضایت بخشی از آب درآمد. فیلم در نمایش‌هایی که داشت خوشیختانه مورد استفاده قرار گرفت. مخاطبانی که فیلم را دیدند نسبتاً از کار راضی بودند و این جای خوشحالی دارد. امیدوارم در جشنواره سینماحقیقت هم مورد رضایت مخاطبان قرار گیرد. البته اگر شرایط، تجهیزات و امکانات بیشتری در اختیار ما بود طبیعتاً کار می‌توانست بهتر از آنچه که هست باشد. این هم نکته‌ای است که امیدوارم مسئولان برای آن فکری اساسی کنند و دست مستندسازان را بیش از پیش بگیرند تا شیب موفقیت این گونه سینمایی شتاب بیشتری بگیرد.



# مستندسازی فقط عشق و علاقه است

آرش لاهوتی با ساخت مستند «پهلوان و خرقة» مثل دیگر آثارش، سراغ آدم متفاوتی رفته و جنبه‌هایی از زندگی شخصی‌اش را به تصویر کشیده. او در فیلمش، روز و شب یکی از پهلوان‌های دوره‌گرد امروز ایران را روایت کرده است

احمد رضا حجاززاده  
 am.mehr289@gmail.com

میان تنوع سوژه‌هایی که مستندسازان برای ساخت فیلم در اختیار دارند، شاید هیچ موضوعی به اندازه خود آدم‌ها برای آنها جذاب و وسوسه‌انگیز نباشد. آدم‌های معمولی و آدم‌های خاص در هر طبقه، صنف، گروه، قوم و نژادی که باشند، از دیدگاه یک مستندساز می‌توانند سوژه‌ای باشند برای فیلمی خوش ساخت و ارزشمند. این دوره از جشنواره سینماحقیقت، با تعدد و تنوع چنین فیلم‌هایی روبه‌رو بوده است. یکی از این فیلم‌ها را آرش لاهوتی ساخته است. فیلمی با عنوان «پهلوان و خرقة» که بر مبنای زندگی پهلوان دوره‌گرد و معرکه‌گیر، جلوی دوربین رفته است. او از ابتدا در فیلم‌هاش بر چنین کاراکترهایی متمرکز بوده. آدم‌ها در نظرش موجودهایی بی‌چیده و تماشایی‌اند که باید به آنها نزدیک شد و از کمترین فاصله شاهد ریتیم و روند زندگی‌شان بود. لاهوتی پیش از این، مستندهایی مانند «۲/۴۷» و «راننده و روباه» را ساخته بود که در جشنواره‌های پنجم، ششم و هفتم سینماحقیقت حضور داشتند و جوایزی کسب کردند. درباره مستند «پهلوان و خرقة» پای حرف‌های این کارگردان جوان نشستیم.

از میان پهلوان‌های معدود در کشور، شخصیت فیلم‌تان را چطور پیدا کردید؟

البته الان هنوز تعداد پهلوان‌ها محدود نیست. از قضا تعداد زیادی پهلوان هنوز هستند اما سن‌شان زیاد است، با آنکه در خیابان کار هم می‌کنند و معرکه می‌گیرند. من این آدم را به واسطه همسرم پیدا کردم. همسرم در غرب ایران و نزدیک به کردستان یک پروژه عکاسی داشت که به این آدم برخورد و به من معرفی‌اش کرد. من هم خودم را به سرعت رساندم و او را دیدم و تولید فیلم این گونه آغاز شد. این آدم را از حدود یک سال و نیم پیش شناختم. نام او «هوشنگ» و ساکن کرمانشاه است. جالب اینکه شغل او فقط همین پهلوانی و معرکه‌گیری است.

مستند «پهلوان و خرقة» نخستین بار بر اساس کدام ایده شکل گرفت و به‌مرحله تولید رسید؟

از دوران کودکی همیشه کار پهلوان‌های دوره‌گرد برای من جالب بود. با توجه به اینکه تعداد چنین آدم‌هایی که به پهلوانی مشغولند، در کشور ما به شدت کم شده، همیشه دوست داشتم فرصتی پیش بیاید تا فیلمی درباره آنها درست کنم. اغلب افرادی که به این حرفه می‌پردازند بالای ۵۰ سال سن دارند و در ۱۰ تا ۱۵ سال آینده دیگر توان کار کردن نخواهند داشت، یعنی مادر آینده نزدیک نسل این آدم‌ها را در کشورمان از دست خواهیم داد. برای من خیلی جالب بود زندگی یکی از این پهلوان‌ها را که علاوه بر پهلوان بودن، آدم جالبی هم باشد، در قالب فیلم ثبت بکنم.



■ نام فیلم: درخت سخنگو  
 ■ کارگردان: علیرضا قاسمخان  
 ■ درباره فیلم: درخت سخنگو مستندی با تکیه بر روایات، داستان‌های کهن ایرانی و اساطیر است. این مستند به شرح یکی از قدیمی‌ترین طرح‌های قالبی ایرانی به نام واقی واقی یا جن و پری می‌پردازد. روایت آن هم به صورت شاعرانه است و گوینده‌های فصل‌های مختلف فیلم را به هم متصل می‌کند.



## نشددوباره بیافم

ماجرای درخت سخنگواز  
نگاه علیرضا قاسمخان

پانزدهمین ساختمان کاری سخت و جذاب بود. برای جمع‌آوری، تدوین و ساخت آن دو سال وقت صرف کردم. یکی از مهم‌ترین دلایل زمان‌بر شدن فیلم مشکل در صحنه‌سازی و صحنه‌پردازی‌هایش بود. چون در ایران تنها یک تصویرساز از این فرس وجود دارد و اصل آن در نیویورک نگهداری می‌شود. براساس این تصویر به نمونه‌های دیگر مراجعه کردیم و براساس یافته‌ها ساختار فیلم شکل گرفت. در این ساختار در فصل‌های مختلف به تعریف درخت در فرهنگ ایرانی پرداخته شد. مستند سپس به چگونگی ورود درخت و گیاهان در فرس ایرانی و به مینیاتور ایرانی پرداخته. بعد از آن به شکل گرفتن درخت سخنگو در مینیاتورها، شاهنامه، قصه‌ها، ادبیات ایرانی و حتی آیات قرآن مجید ورود کرده است «درخت سخنگو» در مجموع به بررسی و شناخت طرح درخت سخنگو در فرس ایران با ریشه‌یابی در اساطیر، نقاشی و فرهنگ ایران زمین پرداخته است. این طرح و نوع قالبی در مناطق مختلف ایران مثل کرمان، تبریز و خراسان یافته می‌شده است. آخرین دوره‌ای که این قالبی یافته شد مربوط به حدود ۱۴۰ سال پیش می‌شود. در آن زمان به این طرح، «طرح واقی واقی» گفته می‌شد. این طرح در مناطق مختلف دیگری به طرح جن و پری هم معروف بوده. طرح واقی واقی که باید ریشه‌اش را در بخش اساطیر و بخش‌هایی در فرهنگ ایرانی جست‌وجو کرد از سر شاخه‌های درختان‌اش به جای برگ، سرانسان‌ها و انواع حیوانات بیرون می‌آید. برای همین طرح را کمی عجیب می‌کند. ما معتقد هستیم الگوی یافته‌های کهن ایرانی، بهشت گمشده بوده اما این قالبی با همه طرح‌های ایرانی متفاوت است. چرا که از فضای بهشت گونه جدا و وارد یک فضای وهم‌آلود، خیالی و جن و پری زده می‌شویم. این در تعاریف فرس ایرانی نمی‌گنجد. درباره این فرس نظرهای مختلفی داده می‌شود که در این فیلم همه نظرات را کنار هم قرار دادیم. این فیلم بیش از آنکه جوابی برای این موضوع پیدا کرده باشد بیشتر مطرح‌کننده سوالاتی در حوزه فرهنگ و هنر ایرانی است. می‌خواستیم فرس را دوباره بیافم امانش.

## مستندسازان

## It's All Passion & Love

By directing 'Athlete and Cloak', like his other works, Arash Lahouti goes to a different person and portrays some aspects of his personal life. He tells the story of a travelling athlete who lives in contemporary Iran. Lahouti has always been concentrated on such characters. In his view, people are complex and spectacular creatures to whom one should become closer and observe their life's process and rhythm from the least distance. His previous films, including '2/47' and 'Driver and Fox' were awarded in the 5th, 6th and 7th editions of Cinema Verite Film festival. In an exclusive interview, he talked on his recent documentary. "Since my childhood, I have really been interested in travelling athletes. As the number of such people has decreased remarkably in our country, I always wanted to get a chance to make a film about them", the director says about the very first idea of the film. Lahouti emphasizes that we are going to miss the generation of such people in really near future. "It seemed really interesting to me to make a film based on one of these people's life".



و پژوهش بکنید در مورد تاریخ پهلوانی. فقط آن آدم و موقعیت جغرافیایی زندگی‌اش برای شما مهم است، یعنی دغدغه‌هاش، مشکلاتش، ارتباطش با زن و بچه‌اش و فقط زندگی روزمره‌اش. مستند «پهلوان و خرقة» یک فیلم مشاهده‌گر است که زندگی این آدم را ثبت می‌کند؛ غم‌ها و شادی‌هایش. بنابراین ضرورتی ندارد که منابع دیگری از ادبیات و علوم اجتماعی و غیره در فیلم بگنجانید. آن جور فیلم‌ها هم خیلی خوبند اگر با رویکرد تاریخی و پژوهشی درست بشوند اما اینها مخصوص آن طور فیلم‌هاست، نه فیلمی که فقط درباره یک آدم زنده با کوهی از مشکلات است. ادبیاتی هم که در فیلم می‌شنوید، ادبیات محاوره و مردم کوچه و بازار است و کنار هم زندگی می‌کنند.

### تولید فیلم‌تان از زمان تصویربرداری تا پایان تدوین چقدر طول کشید؟

از زمانی که من این آدم را شناختم تا زمانی که فیلم تمام شد، حدود یک سال و نیم زمان صرف شد. قبل از اینکه من با مرکز گسترش قرارداد ببندم، در حله پیش تولید و آشنایی با کاراکتر شروع شده بود اما اگر بخوایم دقیق‌تر بگویم، چیزی نزدیک به ۲۳ جلسه تصویربرداری فیلم طول کشید که البته پیوسته هم نبود. سه ماه هم برای مونتاژ فیلم صرف شد.

### یعنی برای ساخت فیلم بین تهران و کرمانشاه رفت و آمد بودید یا گاهی آنجا مستقر می‌شدید؟

ببینید، تولید مستند «پهلوان و خرقة» به این صورت بود که خیلی از اجزای فیلم به مرور زمان شکل گرفت. ما حدود شش بار به کرمانشاه رفتیم و برگشتیم. مقدار زیادی از فیلم هم براساس آزمون و خطا بود، یعنی من یک سبک روایی را در فیلم پیدا می‌کردم و زمانی که می‌آمدم راش‌ها را می‌دیدم، به نظرم می‌رسید این درست نیست و در نوبت دیگری سعی می‌کردم راه دیگری را امتحان بکنم.

### آقای لاهوتی، فکر می‌کنید مستند «پهلوان و خرقة» کدام دسته از مخاطبان را در بر می‌گیرد؟ یعنی آیا مخاطبان عام هم از آن لذت خواهند برد یا بیشتر برای تماشاگران حرفه‌ای مستند مناسب است؟

وقتی یک فیلم درباره آدمی ساخته می‌شود که کاراکتر جذابی دارد و موضوع مستندتان اجتماعی است، مخاطب را درگیر می‌کند، چون الان مخاطبان در دنیای مستند بیشتر به دنبال موضوع‌های اجتماعی هستند. این جور فیلم‌ها جذابیت بیشتری برای آنها دارد. به این دلیل که زندگی روزمره اشخاص را می‌بینند. فکر می‌کنم موضوع‌های اجتماعی موجود در کشور ما، پتانسیل فیلم‌شدن را دارند و برای مردم هم جذابند.

### در طول تصویربرداری، برای راضی کردن آن پهلوان برای فیلم‌سازی و ضبط صحنه‌های مورد نظر، با مشکل خاصی مواجه نبودید؟ یعنی بر سر موضوعی اختلاف نظر داشته باشید یا شما بر چیزی اصرار داشته باشید و ایشان نپذیرند.

چنین مشکلی‌هایی همیشه در فیلم‌های پرتره وجود دارد. من یک چیزی را در مستندسازی پرتره تجربه کردم و خوب یاد گرفتم. هر وقت شما قصد داشتید که یک فیلم پرتره درباره کسی درست کنید و آن آدم موافق بود و خیلی استقبال کرد، شما با او به مشکل برمی‌خورید، برای اینکه حرف شما را بدون فکر کردن قبول کرده اما اگر ابتدا سفت و سخت باشد و با پیشنهادتان مخالفت کند، من به چنین آدمی اعتماد بیشتری دارم برای اینکه فیلمی درباره‌اش بسازم. طبیعی است که در ساخت مستندهای پرتره، همیشه از این اتفاق‌ها می‌افتد، چون کسی که شما دارید از او فیلم درست می‌کنید، هنرپیشه شما نیست. قرارداد با شما ندارد. او می‌خواهد زندگی خودش را بکند. بنابراین خیلی مشکل است، ولی من در این فیلم مشکل چندانی نداشتم. به خاطر اینکه معتقدم می‌توان با گفت‌وگو و تفاهم خیلی از مسائل را حل کرد. من فکر می‌کنم سخت‌ترین نوع فیلم‌سازی، فیلمی است که آدم جلو دوربین شما می‌آید و آن احساس‌ها و مکنونات قلبی‌اش را جلو دوربین بروز می‌دهد.

### برای پژوهش‌های فیلم‌تان چه مراحل طی کردید و روی کدام ویژگی‌های این شخص متمرکز شدید؟

من از ابتدا همیشه دوست داشتم درباره آدم‌های تنها فیلم بسازم. فیلم‌های دیگر هم در ارتباط با چنین آدم‌هایی است. در حقیقت خیلی دوست دارم در مورد آدم‌ها و بخصوص آدم‌های در حاشیه‌مانده فیلم درست بکنم. وقتی شما درباره آدمی فیلم می‌سازید که زنده است، در پروسه تحقیقاتی فیلم‌پرتره و همین‌طور پیش تولید خیلی مهم است که بتوانید خودتان را به این آدم نزدیک کنید و آن قدر ارتباط خوبی با او بگیرید که خودش و خانواده‌اش، دوربین شما را احساس نکنند، یعنی دوربین برای آنها تعریف بشود. سخت‌ترین کار در فیلم‌های مستند با موضوع یک شخصیت همین است، و گرنه فیلم من نمی‌خواهد در مورد تاریخچه معرکه‌گیری صحبت کند. این فیلم درباره آدمی است که رویاهای عجیبی در سرش دارد. در مستند «پهلوان و خرقة» ما به زندگی شخصی، خانواده‌گی و کاری این آدم می‌پردازیم. این فیلم راجع به معرکه‌گیری است و هیچ ربطی به تاریخ پهلوانی ندارد. معتقدم وقتی دارید فیلمی با رویکرد اجتماعی و درباره یک آدم درست می‌کنید، هیچ ربطی ندارد که بخواهید تحقیق



■ نام فیلم: من. انیشتین. مونالیزا

■ کارگردان: مجتبی حسینی

■ درباره فیلم: «من. انیشتین. مونالیزا»

روایت زندگی احد حسینی مجسمه‌سازی است که با دست خالی موفق می‌شود لقب «لئوناردو داوینچی» ایران را بدست بیاورد. حسینی به شخصیت‌های بزرگ علاقه‌مند بوده و چون نتوانسته مثل آنها شود، مجسمه‌شان را می‌سازد. فیلم تلاش کرده هنر و پایمردی او را به تصویر بکشد.



## «لئوناردو

## داوینچی» ایران

روایت مجتبی حسینی از من. انیشتین. مونالیزا

سال ۸۳ مستندی درباره مشروطه تولید کردم که محور آن شخصیت «ستارخان» بود؛ این کار یک مستند فانتزی محسوب می‌شد که یک شخصیت مجسمه‌ساز مجسمه‌ای از شخصیت «ستارخان» می‌سازد و در زمان ساخت آن با این مجسمه صحبت می‌کند. پس از اینکه کار به نمایش درآمد، بسیاری با من تماس گرفتند که مجسمه‌ساز در این کار کیست؟ معتقد بودند که کارش بسیار حرفه‌ای است و خاص. همین پرسش‌ها کنجکاوم کرد تا درباره شخصیت احد حسینی بیشتر تحقیق کنم. در تحقیقات بیشتر متوجه شدم که ایشان در اروپا شخصیت مطرح و شناخته شده‌ای هستند و در این منطقه و بویژه در فرانسه به «لئوناردو داوینچی» ایران مشهور هستند. برای ساخت این مستند با او صحبت کردم و ابتداء ارضی نمی‌شد اما سرانجام رضایت داد و کار را شروع کردیم.

احد حسینی فعالیت زیادی در رشته خودش داشته و من احساس می‌کردم یا فضای تبلیغ نداشته است که در ایران شناخته شده نیست و یا احتمالاً تمایلی به این کار ندارد. بعد در جریان تولید مستند متوجه شدم که هر دو عامل مطرح است. او مدت بسیاری در پاریس زندگی می‌کرد و یک روز تصمیم می‌گیرد به ایران بیاید. به دلیل این تصمیم مجسمه‌های گچی مدرنش را دور می‌ریزد. یکی از دوستانش از این کار ناراحت می‌شود و تقاضا می‌کند کارهای دور ریخته شده را بخرد؛ این مجسمه‌ها برنز می‌شود و با نام احد حسینی در یک گالری در ۱۰۰ کیلومتری پاریس در معرض نمایش است.

یکی از ویژگی‌های شخصیت احد حسینی سخت کوشی ایشان است؛ این هنرمند در سال‌های جوانی با دست خالی و بدون پشتوانه مالی و تحصیلات کار خود را آغاز می‌کند. او به شخصیت‌های بزرگی چون «انیشتین» علاقه زیادی داشته و چون می‌بیند نمی‌تواند شبیه آن‌ها شود تصمیم می‌گیرد مجسمه‌شان را بسازد.



# ارزش غذایی و اعتقادی یک درخت

مستند «آکوج» درباره دختری است در گیلان که مردم اعتقاد خاصی به آن دارند. نادر شیخ‌الاسلامی از ویژگی‌های این مستند و جذابیت‌های آن گفته است

زهر اعباسی

abbasi2222@gmail.com

نادر شیخ‌الاسلامی در مستند «آکوج» تلاش کرده تا پرده از تقدس یک درخت بردارد و ریشه باور یک خطه به آن را بیابد. اعتقادی که به گفته خودش با خوشی و ناخوشی آدم‌ها عجین شده و نقش مهمی در زندگی‌شان بازی می‌کند؛ نقشی به ارزش درمان یک بیماری، احترام به سالخورده‌گان، نوید، دورهمی و جشن‌هایی که شاید این روزها کمرنگ‌تر شده‌اند اما همچنان پابرجا هستند.

### موضوع «آکوج» چیست؟

این مستند درباره درختی در شمال ایران است که میوه‌ای به نام «آزگیل» دارد و هم خود درخت و هم میوه برای شمالی‌ها از نظر ارزش غذایی اهمیت زیادی دارد و هم باور و اعتقادات خاصی نسبت به آن دارند.

### این درخت را از کجایم شناختید؟

اصلیت من شمالی است و با آن آشنا بودم.

### اما از گیل در شهرهای دیگر هم وجود دارد.

بله. اما میوه‌ای است که به عنوان محصولی از خطه شمال شناخته شده است و هر منطقه باورهای خاصی به آن دارند.

### در کدام منطقه این فیلم را تولید کردید؟

«آکوج» در استان گیلان و در اطراف شهر تالش تصویربرداری شد.

### چرا «آکوج»؟

«آکوج» نام قدیمی این میوه در ایران باستان است. در گیلان و همچنین در مازندران آن را به چند نام می‌شناسند و من سعی کردم با انتخاب «آکوج» نامی فراگیر را انتخاب کنم و به قدیمی بودن آن اشاره داشته باشم.

### خب در گیلان چه باورهایی در این درخت و میوه‌اش وجود دارد؟

این درخت و میوه‌اش برای مردم از نظر دارویی ارزش زیادی دارد و همچنین به آن اعتقاد دارند. معمولاً افرادی که معتقد هستند از چوب این درخت برای چوب دستی استفاده می‌کنند و یا از چوبش برای زنانی که برای اولین بار باردار شده‌اند، گردن‌بند تهیه می‌کنند تا ترس و وحشت را از او دور کنند. من هم در «آکوج» سعی کردم این باورها را نشان دهم.

### ریشه این باور چیست؟

از نظر مردم منطقه این درخت و میوه‌اش مقدس است.

### دلیل این تقدس را متوجه شدید؟

در تحقیقاتی که کردم متوجه شدم چوب درخت به دلیل عمر بالا و همین‌طور مقاومتش ارزش زیادی دارد. میوه درخت نیز چون ارزش دارویی دارد و برای مداوا استفاده می‌شود، چنین جایگاه پیدا کرده است. چوب دستی که با چوب «آکوج» ساخته می‌شود علاوه بر افراد مسن از سوی جوانان نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد زیرا مقاومت زیادی دارد و در مقابله با حیوانات درنده به کمکشان می‌آید.

### از کارکرد «آکوج» در منطقه بیشتر بگویید. این باورها همچنان وجود دارد؟

باور به این درخت بیشتر در میان افراد سالخورده وجود دارد اما این باورها سینه به سینه منتقل شده و همچنان منتقل می‌شود. اما کارکردهای آن تقریباً حفظ شده است. مثلاً از دیگر کارکردهای «آکوج» می‌توان برای تولید یک نان سبک استفاده کرد که در واقع از همان میوه‌آزگیل درست می‌شود. این نان بیشتر مورد استفاده چوپان‌هاست چون سبک است و کم‌حجم. میوه‌آزگیل را هم به صورت کال ترشی و در مهمانی‌های خاص چون شب پلدا استفاده می‌کنند. از گیل ترش هم به صورت دارو برای درمان گلودرد استفاده می‌شود.

از دیگر کارکردهای آن استفاده برای تهیه آتش است؛ چوب «آکوج» گرمای زیادی دارد و دیرهم از بین می‌رود و در منطقه از قطعه‌های خشک آن استفاده زیادی می‌کنند.

## A Precious Tree

Nader Sheikholeslami tells the story of people's belief in a tree and its fruit in the North of Iran. He shows how this tree plays a leading role in different stages of people's life and brings them joy and hope. "This tree and its fruit has got a significant nutritional value and also people deeply believe in it. I come from northern Iran, so I did already know it", the director explains.



مسابقه  
خارج از

## A Film Fully Absorbed Me

Mohammad Ali Sajjadi directed, Homa's Hamid, which is about one of the most leading theatrical director of Iran, Hamid Samandarian. The film is presented in the 'Portray' section. Sajjadi says, "The very first idea of making this documentary was brought up during a tribute to my artist friend, Mrs. Homa Rousta [Samandarian's wife]". The director explains, "Regarding the experience I gained during making 'Siavoshan' movie without any support, I began making this documentary". He also mentions, "It was supposed to be an 8 minute film at first, but my admiration for the late Hamid Samandarian made me take it more serious and gradually I realized I was fully absorbed into the work".



# فیلمی که مرا با خود برد

محمد علی سجادی که با مستند «حمیدهما» در جشنواره امسال حضور دارد از تجربه مستندسازی و ویژگی‌های این ژانر و نگاهی که به زندگی استاد سمندریان داشته گفته است

امید صبوری

m.sabori@gmail.com

مستندسازی پر تره یکی از گونه‌های تجربه شده در سینمای مستند ایران است که بعضاً نمونه‌ها موفقی هم از آن به ثبت رسیده است. در این راستا وقتی نام یک بزرگ در میان باشد کار دشوار تر هم می‌شود. «حمیدهما» یکی از مستندهای پر تره حاضر در هشتمین جشنواره سینما حقیقت است. مستندی که محمد علی سجادی آن را کارگردانی کرده و درباره آن می‌گوید: «ایده اولیه ساخت این مستند در حاشیه برگزاری نکوداشت دوست هنرمندم سرکار خانم هماروستا در سال گذشته مطرح شد. ایده‌ای که هم خانم روستا به آن تمایل داشت و طبیعتاً هم بنده علاقه‌مند آن بودم.»

پیش آماده شده نکردم. در طول هفت ماه تدوین و تحقیق به این خروجی رسیدم. «سجادی ضمن تشریح این روند درباره پابندی به تصویر ثبت شده از استاد سمندریان در ذهن حرف‌های تناتر و سینما می‌گوید: «اصلاً به این سمت نرفتم که بخواهم به این تصویر پایبند باشم. اساساً یکی از ویژگی‌های استاد سمندریان که همواره آن را ستوده‌ام، انسان بودن و ساده بودن ایشان بود. شما اصلاً در مواجهه با استاد سمندریان احساس نمی‌کردید که با یک روشنفکر متکبر و عبوس مواجهید، شما با یک کودک مواجه بودید که در سن ۸۰ سالگی هنوز خلوص و پاکی کودکی را داشت. یکی از مواردی که علاقه‌مند بودم جوانان بدانند همین بود که انسانی با چنین سابقه چقدر ساده و دم دست بوده است. علی‌رغم همکاری با آدم‌های پیچیده و بزرگ در طول هفت دهه کار هنری آدمی بسیار مأنوس و دوست داشتنی باقی بماند که بر همین منوال هم برای ساخت این مستند پیش رفتم و اصلاً به سمت اسطوره‌سازی نرفتم و تلاشم این بوده در حد امکاناتی که خودم توانستم برای ساخت این مستند فراهم بیاورم به واقعیت‌ها پایبند باشم.»

### سهام هماروستا

سجادی در پایان درباره سهم زندگی و دغدغه‌های حرف‌های هماروستا در این مستند تأکید می‌کند: «در این فیلم هر دو هنرمند را با هم می‌بینیم. اساساً تمرکز بر روی روایت هماروستا از حمید سمندریان بوده است. خانم روستا محور فیلم است و به نوعی این دو هنرمند را در کنار یکدیگر روایت کرده‌ام.»

بود. اما در این مستند چقدر شاهد زندگی شخصی حمید سمندریان هستیم و چقدر دیدگاه‌های حرف‌های استاد روایت شده است؟ سوالی که سجادی در پاسخش می‌گوید: «زنده یاد سمندریان به لحاظ تئوریک استاد همه ما بوده، هست و خواهد بود. با این وجود اما سعی بنده این بود که فیلم ترکیبی از زندگی شخصی و حرف‌های ایشان باشد. کمالینکه بنده قائل به مرزبندی میان این دو حوزه نیستم. آنچه در «حمیدهما» می‌تواند شایان توجه باشد بروز و ظهور همین نگره است که بنده سال‌هاست به آن معتقدم. در واقع هیچ مرزبندی خاصی میان زندگی شخصی و حرف‌های وجود ندارد همانطور که میان عالم واقعیت و رویا این مرز نیست. مرزی میان زندگی حرف‌های ما و زندگی شخصی ما هم نیست. سعی بنده این بوده که با همین رویکرد سراغ این مستند بروم.»

### با پرسش‌ها هم پیش رفتم

«روزی که این تجربه به بنده پیشنهاد شد دو روز بعد کار آغاز شد و دقیقاً سعی کردم براساس پرسش‌هایم پیش بروم. البته که از قبل پیشینه ذهنی داشتم اما خودم را مقهور یک متن از

مستندسازی در سینمای بی چیز! سجادی که «حمیدهما» را با حداقل امکانات به سرانجام رسانده و خود تهیه‌کنندگی و کارگردانی آن را برعهده داشته می‌گوید: «براساس تجربه‌ای که از ساخت فیلم «سیاوشان» بدون حمایت و امکانات داشتم این پروژه را آغاز کردم. تجربه ساخت فیلم‌هایی که بنده نام آن‌ها را گذاشته‌ام سینمای بی چیز!» در این سینمای بی چیز اما سجادی اهل قناعت به حداقل‌ها نبوده است: «در آغاز قرار بود این سوژه به یک فیلم کوتاه هشت دقیقه‌ای تبدیل شود اما به دلیل ارادتی که به استاد سمندریان نازنین داشتم، خیلی جدی کار را پیش گرفتم و آرام آرام دیدم کار گسترده شده و به تعبیری از جایی که بعد دیدم که فیلم من را با خودش برد. در مجموع نزدیک هشت ماه روی تحقیق و تدوین این مستند کار کردم که حاصلش مستندی چهار ساعته شد. این نسخه چهار ساعته در حال حاضر موجود است و فکر می‌کنم بیشتر به درد کسانی بخورد که علاقه‌مند به تناتر مدرن ایران هستند و می‌خواهند در این زمینه تحقیق پژوهشی داشته باشند. البته تا همین امروز هیچ یک از نهادها و ارگان‌های دولتی‌ای که معمولاً وظیفه حمایت از این جنس تولیدات را دارند هیچ حمایتی از آن نکرده‌اند.»

### از «فجر» تا «سینما حقیقت»

نسخه کوتاهی از «حمیدهما» البته پیشتر رونمایی شده است و سجادی درباره آن می‌گوید: «در حال حاضر نسخه ۱۲۰ دقیقه‌ای این مستند که فشرده نسخه اصلی محسوب می‌شود در جشنواره سینما حقیقت اکران خواهد شد. این فیلم در واقع بسط یافته همان مستند هشت دقیقه‌ای است که سال گذشته در جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمده

از نکات جالب درباره مستند سجادی نام آن است که او درباره وجه تسمیه آن می‌گوید: «نام فیلم اشاره به این واقعیت دارد که ما در این مستند از نگاه هماروستا شاهد روایت حمید سمندریان هستیم. بیشتر فیلم روایت خانم روستا است هر چند نظر گاه بنده هم در آن دخیل بوده است. در مجموع روایت فیلم یک روایت مستقیم نیست. خیلی آزاد جلو رفتم چرا که مانند چند تجربه اخیرم قائل به آزادی در روایت بوده‌ام. البته یک خط زنجیرهای روایت در آن وجود دارد اما اینکه لزوماً بر مبنای مصاحبه‌های وصفی روایت را پیش برده باشم، اصلاً اینگونه نبوده است.»

### اصل مطلب



## رها از چنگ مرزبندی‌های متعارف

یادم می‌آید در دوران نوجوانی توماس وولف آرمان نویس برجسته آمریکایی اوایل قرن ۲۰ یک جورایی نویسنده ایده‌آل من بود. او را تصور می‌کردم در حالی که فریادزنان به داخل راهرو می‌دوید و به صدای بلند اعلام می‌کرد: «امروز ده هزار کلمه نوشتم!» این تصویری بود که من از مقوله تولید کردن داشتم و این که آدم در مقام نویسنده، در حقیقت کارگری است که به میزان مشخص و تا نقطه‌ای مشخص [کلمه] تولید می‌کند و این ایده مرا شوکه کرد. در برابر یک صفحه سفید بودم. رو به روی یک تایپست با صفحهای سفید نشستم و مغزم قفل شده بود و دیگری دلم نمی‌خواست هیچ کار دیگری [جز نوشتن] انجام دهم. بعد از آن دو اتفاق افتاد؛ استاد تئاتر گفت نمایشنامه‌ام افتضاح است و این جمله‌اش در خاطر من ماند: «فقط اجازه بده ذره ذره شکل بگیرد، می‌دونی؟» و دیگری دوربینی بود که به عنوان هدیه دریافت کردم و وقتی از لنز دوربین به جهان نگاه کردم، دیگر هیچ صفحه سفیدی در کار نبود. این اتفاق نقطه آغازی بود که مرا به سوی دنیای مستند سوق داد، زیرا همیشه چیزی برای به ثبت رساندن در قاب دوربین وجود دارد. انگار از هراس بوم خالی نقاشی رها شده بودم. پدرم عادت داشت «نهنگ سفید» ملویل را به بوم سفید نقاشی ارجاج دهد؛ گوا این که بوم خالی نقاشی همان نهنگ سفید است؛ هراس از آن تهی بودن که آدم دلش می‌خواهد به طریقی آن را پر کند. بنابراین، قاب سینما مرا از شر نهنگ سفید رها ساخت و فیلمساز شدم. پاسخ بی‌درنگم به کسانی که می‌پرسند: «چه جور فیلم‌هایی درست می‌کنی؟» این است که خب راستش، [فیلم] تجربی و مستند و انیمیشن و خوشبختانه همه اینها را با یکدیگر تلفیق می‌کنم. بعضی از فیلم‌هایم را به صورت تلفیقی از قوم‌شناسی، فیلمسازی قوم‌شناسانه و تکنیک‌های تجربی ساخته‌ام؛ به شیوه مستند فیلمبرداری کرده و به شیوه تجربی تدوین اثرم را پیش برده‌ام. بنابراین زیاد درباره اینجور مرزبندی‌ها فکر نمی‌کنم. مسئله اساسی رسیدن به تلفیقی مناسب برای هر فیلم است.

یادداشت



دavid Lebrun  
مستندساز

David Lebrun



گزارش

## یک حضور پر بار از شرق دور

ایتسوشی کاواسه، مدرس دانشگاه و مستندساز ژاپنی، با حضور در جشنواره بین المللی فیلم مستند سینما حقیقت، تجربیات خود را با مخاطبان کارگاهی در میان گذاشت

علی اکبردهیان

Dehban.cinema@gmail.com

صبح دومین روز جشنواره هشتم سینما حقیقت، جلسه کارگاه تحقیقاتی پژوهشی در «زمینه انسان‌شناسی تصویری» با حضور مستندساز ژاپنی، دکتر ایتسوشی کاواسه برگزار شد. در این کارگاه که با نمایش دو فیلم مستند از این مستندساز آغاز شد ایتسوشی کاواسه به طرح سرفصل‌هایی پیرامون زمینه انسان‌شناسی در مدیوم تصویر پرداخت و سپس در وقت اضافه کارگاه به پرسش‌های مخاطبان در این زمینه پاسخ گفت. کاواسه، انسان‌شناس و فیلمساز ژاپنی، در حال حاضر مشغول پشت سر گذاشتن دوره فوق دکترا در دانشگاه منچستر انگلستان است. او خالق فیلم تحسین شده «تاق ۱۱، هتل اتیوپیا» است که تاکنون جوایز و افتخارات مختلفی در عرصه‌های بین المللی کسب کرده است.

### معرفی فیلم‌های امروز



بدرود هالیوود  
Farewell to Hollywood  
امریکا ۲۰۱۳  
USA 2013

این مستند ۱۲۳ دقیقه‌ای حاصل همکاری مشترک هنری کورا و رجینا نیکلسن در مقام کارگردان و نویسنده است. فیلم از تنها آرزوی زندگی دختری ۱۷ ساله به نام رجینا دایان نیکلسن پرده برداشته است. رجینا که به بیماری علاجانا پذیر سرطان مبتلاست درگیر رابطه‌ای عاطفی با یک فیلمساز ۵۵ ساله می‌شود. این فیلم که پیش‌تر در جشنواره‌های فیلم مستند «ایدفا» و «ویزیون دوریل» روی پرده رفته، تصویری شاعرانه را از تلاش رجی برای زنده ماندن ارایه می‌کند.

2



دوستت دارم چین  
China, I Love You  
چین ۲۰۱۴  
China 2014

این فیلم نیمه‌بلند کاری از لیو بلین، مستندساز چینی است که نویسنده، کارگردان و فیلمبردار آن را خودش برعهده داشته است. ماجرای فیلم روایتگر واقعه‌ای است که در هشتم اوت ۱۹۶۶ رخ می‌دهد؛ وقتی رئیس مائو انقلاب فرهنگی ضد بورژوازی را با هدف رهبری پرولتاریای چین به سوی آزادی‌نهایی بنیان گذارد. بلین در این مستند ۴۰ دقیقه‌ای از تکنیک‌های تدوین سینمای لترتست که محبوب ایسیدور ایسو، شاعر و منتقد فیلم رومانیایی بود به شیوه‌ای مدرن استفاده کرده است.

1



## امید به گردهمایی دوباره

گیبای باقوت جوده سعید الدیب،  
منتقد مصری، عضو فیپرشی  
وداور بخش مسابقه جشنواره

یاقوت الدیب از جمله میهمانان خارجی جشنواره هشتم است که به عنوان داور بخش مسابقه فیلم‌های نیمه بلند و کوتاه به تهران سفر کرده است. این منتقد مصری به همراه جیونا نازارو و مهوش شیخ‌الاسلامی داور بخش یاد شده را بر عهده دارد. الدیب در سال ۱۹۴۷ در قاهره به دنیا آمد و از سال ۱۹۸۶ تاکنون به عنوان منتقد فیلم و پژوهشگر سینما مشغول فعالیت بوده است. این عضو برجسته انجمن بین‌المللی منتقدان فیلم (فیپرشی) که رشته تخصصی اش «نقد هنری» و «نقد سینمایی» است در گفت‌وگو با نشریه روزانه از نخستین حضورش در ایران گفت: «جشنواره سینما حقیقت، رویداد مهمی محسوب می‌شود، زیرا به طور تخصصی به نمایش آثار حوزه سینمای مستند می‌پردازد.» الدیب ادامه داد: «به اینجا آمده‌ام به این امید که به تماشای فیلم‌های متفاوت از کشورهای مختلف بنشینم و به ویژه آثار سینمای ایران را سر فرصت تماشا کنم.» به علاوه، این منتقد ۶۷ ساله، عضو مجمع منتقدان سینمایی مصر نیز به شمار می‌رود. الدیب درباره فیلم‌هایی که تاکنون فرصت تماشای شان را پیدا کرده گفت: «فیلم‌های خیلی خوبی دیده‌ام؛ تعدادی از آنها واقعاً فیلم‌های زیبایی بودند، اما چون عضو هیأت داوران هستم فعلاً نمی‌توانم در این باره اطلاعات بیشتری ارائه کنم.» اشتراکات مذهبی و فرهنگی سینمای ایران و مصر، از جمله مواردی است که الدیب را شیفته سینمای کشورمان کرده است. او در ادامه صحبت‌هایش از این‌که به دلیل شرایط حاکم بر کشورش، امکان تبادل بیشتر با فیلمسازان ایرانی و مصری وجود ندارد ابراز ناراحتی کرد. الدیب در این باره گفت: «متأسفانه دو سه سالی می‌شود که فیلم‌های ایرانی به دلیل کاهش روابط دو کشور، از فرصت حضور در جشنواره‌های فیلم مصر به ویژه جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه و مستند اسماعیلیه (Ismailia) محروم مانده‌اند.» او در پایان صحبت‌هایش، با بیان عبارت «انشاءالله» بر آرزوی قلبی‌اش برای گردهمایی دوباره فیلمسازان مصری و ایرانی در رویدادی بین‌المللی تأکید کرد.



در شهر کوچکی در اتیوپی زندگی کردم و کم‌کم در مواجهه با افراد جامعه و گفت‌وگو با آن‌ها؛ پانسان را یاد گرفتم و به دلیل برخورد با کودکان خیابانی و گدایانی که به نواختن موسیقی مشغول بودند اصطلاحات و زبان موسیقی زیرزمینی‌شان را هم یاد گرفتم که در برقراری ارتباط و ایجاد اعتماد بین ما بسیار موثر بود.»

### احترام به گدایان نوازنده!

کاواسه در ادامه با تأکید بر این‌که سازمان‌های بین‌المللی به این فیلم‌بانگه تحقیر آمیزی نگاه می‌کردند گفت: «افراد در مکان‌های مختلف دنیا عکس‌العمل‌های متفاوتی را از خود نشان می‌دهند اما در اتیوپی مردم خیلی عکس‌العمل خاصی از خود نشان ندادند و فقط اشاره کردند که در گذشته به گدایانی که موسیقی می‌نواختند احترام بیشتری می‌گذاشتند. آنها اعتقاد داشتند بهتر است ۲۰ درصد از آنچه که دارند مانند خوراک و پوشاک خود را در اختیار آن‌ها قرار دهند این رفتار یک نوع فضیلت اجتماعی محسوب می‌شد. در مکان‌های دیگری مانند سازمان بین‌المللی یونسکو و میراث فرهنگی افراد با نگاه تحقیر آمیزی به این نوع آدم‌ها نگاه می‌کنند و البته از نظر آنها این فیلم اثری بسیار ساده است.»

### تیپ‌شناسی گدایان

این کارگردان ژاپنی با اشاره به گدایان زیادی که با چهره‌های مختلف در اتیوپی تکدی‌گری می‌کنند توضیحاتی را در این زمینه ارائه کرد. به گفته کاواسه در نگاه کلی می‌توان آن‌ها را به دسته‌ها و تیپ‌های مختلفی تقسیم کرد، اما بومیان محلی به راحتی آن‌ها را از هم تفکیک می‌کنند: «بومیان اتیوپی تفاوت گدایان را به خوبی متوجه می‌شوند. گدایان این کشور اصولاً به نواختن موسیقی می‌پردازند. البته کشیش‌های ارتدکس نیز این کار را انجام می‌دهند. گدایانی با عنوان «لاله بلوچ‌ها» وجود دارند که نوازندگان موسیقی اند و نوعی دیگر از گدایان هستند که سازهایی را به دست می‌گیرند اما نمی‌توانند بعضی از آن‌ها را به راحتی به صدا در آورند. آموزش موسیقی در آن گروه از گدایان که با موسیقی آشنا هستند سینه‌به‌سینه منتقل شده است.»

### چقدر باید به مخاطب اطلاعات داد؟

ایتسوشی کاواسه در این نشست با اشاره به این موضوع که دادن اطلاعات درست از طریق فیلم یکی از وظایف مهم مستندساز است گفت: «اما در حقیقت نمی‌دانم چقدر باید به مخاطب اطلاعات داد تا موقعیت‌های دراماتیک فیلم لطمه نخورد. این مسئله همیشه دغدغه من بوده است که به عنوان فیلمساز چقدر باید به بیننده اطلاعات دهم.»

## A Humanistic Message

The second day's workshop of the Cinema Verite festival was held on the subject of 'Visual Anthropology' by the presence of Itsushi Kawase, PhD. He is a well-known documentary filmmaker and anthropologist who came to Iran to share his own experiences with the Iranian audiences. Kawase is the creator of the award-winning 'Room 11, Ethiopia Hotel' (2007). He has explored the potential of ethnographic films and filmmaking for many years.



ایتسوشی کاواسه در ابتدای کار گاه دو مستند از ساخته‌های خودش را به نمایش گذاشت. اولین فیلم او در ارتباط با گدایانی بود که در آفریقا به نواختن موسیقی حرفه‌ای مشغول بودند و فیلم دومش به کودکان خیابانی در اتیوپی مرتبط می‌شد. کاواسه در ارتباط با دو فیلمی که از او نمایش داده شد گفت: «تمام تصویرهایی که در این فیلم دیدید داخل یک اتاق گرفته شده بود. در واقع موضوع فیلم یک نوع برقراری دیالوگ بین من و کودکان خیابانی در اتیوپی است. تلاش داشتیم در این فیلم یک نوع نگاه تعاملی بین من و مخاطب برقرار باشد و او را به فکر فرو ببرد. یکی از خواسته‌هایم این بود که حضور درونی خود را در یک جامعه بیرونی ببینم. برای برقراری اعتماد به ناچار زمانی طولانی را با آن‌ها می‌گذراندم و در بسیاری از مواقع سر یک سفره با آن‌ها غذا خوردیم. بعضی مواقع فیلم‌هایی را که ضبط می‌کردم به آن‌ها نشان می‌دادم.» او با اشاره به این‌که برای تصویربرداری از سوژه‌هایی که خیلی نمی‌توان به آن‌ها نزدیک شد باید اعتمادسازی کرد گفت: «من برای ساخت این فیلم سه سال

## Introduction to Films



فلوجه، جنگ عراق و...  
Fallujah: The Iraq War &...  
ژاپن ۲۰۱۳  
Japan 2013

4 مگومی ایتو، در مقام کارگردان و نویسنده این مستند ۹۵ دقیقه‌ای واقع سال ۲۰۱۴ را روایت می‌کند که در جریان آن تعدادی ژاپنی به عنوان گروگان به اسارت درآمدند. فیلم واقعیت‌های عربان فلوجه عراق و مشکلاتی را که در پی اسارت ایامی نوری‌ی و تاکتاتو ناهوکو گریبانگیر جامعه ژاپن شد، به تصویر می‌کشد. این مستندساز فیلم اولی با نمایش فیلمش در سال ۲۰۱۴ در سطح بین‌المللی توانست جایزه «یادبود روزنامه‌نگار میکا یاماتو» را از آن خود کند.



عشق عمیق  
Deep Love  
لهستان ۲۰۱۳  
Poland 2014

3 مستند بلند «عشق عمیق» به کارگردانی و نویسندگی یان ماتوزینسکی، تصویرگر مردی ۶۰ ساله به نام یانوش است. یانوش که زمانی ورزشکاری موفق بود، در پی سکت قلبی دچار از کار افتادگی می‌شود. حین تماشای این فیلم ۸۴ دقیقه‌ای، مخاطب شاهد همراهی و یاری آسیا، نامزد یانوش است که با تمام وجود برای بهبود وضعیت جسمی او تلاش می‌کند. یانوش هنوز حتی در ادای کلمات نیز دچار مشکل است و تنها شخصی که از حرف‌های او سر در می‌آورد، آسیاست؛ کسی که یانوش را برای جهان پیرامونش تفسیر می‌کند.



# روز گزارش و گفت و گوهای اختصاصی

روایت رسانه‌ها از اتفاقات و فیلم‌های اکران شده در جشنواره هشتم سینما حقیقت

تیتراژ: «عیار مشروطه» تا «میراث مجید» در افتتاحیه جشنواره سینماحقیقت. روزنامه سینمایی صبا هم هر روز در چهار صفحه، ویژه‌نامه‌ای پروپیمان برای پوشش جشنواره و فیلم‌های حاضر در آن منتشر می‌کند. در این ویژه‌نامه هم خبر است، هم گفت‌وگوی بلند و هم بخشی برای معرفی فیلم‌های خارجی.

## مستند به روایت بزرگان

سایت تبیان سراغ آرشیو نشریه روزانه سال پیش رفته و گزیده‌ای از اظهار نظرهای سینماگران رادر قالب یک گزارشی کنار هم قرار داده است. محمدرضا اصلانی، خسرو سینایی، رخشانی اعتماد، مهر داد اسکویی، ابوالفضل جلیلی و شهاب حسینی سینماگرانی هستند که دیدگاه‌شان درباره فیلم مستند مرور شده است.

## فیلم‌هایی که جشنواره را داغ کردند

خبرگزاری ایلنا در کنار انتشار اخبار روتین جشنواره یک گزارش مفصل از استقبال فوق‌العاده روز اول روی خروجی‌اش قرار داد: «در هنگام نمایش فیلم قاشق به کارگردانی جلال و بیسی که درباره کودکانی که است که در کردستان با قاشق داغ می‌شدند و همچنین فیلم شش قرن و شش سال به کارگردانی مجتبی میرتھماسب مخاطبان زیادی به سینما آمده بودند...» داستان ادامه دارد.

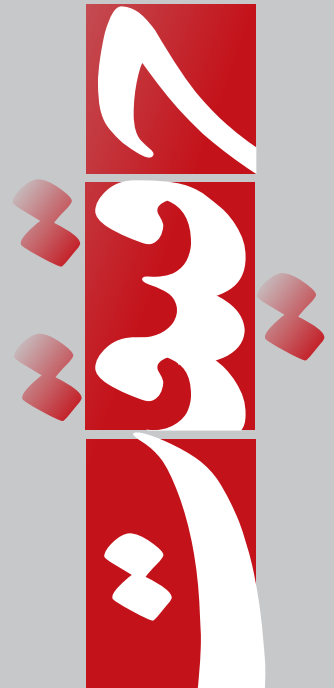
آنچه روز گذشته در رسانه‌های مختلف بیش از همه به چشم آمد حجم بالای گفت‌وگوهای اختصاصی با فیلمسازان بود. همکاران رسانه‌ای که برای پوشش جشنواره سینماحقیقت به سینما فلسطین و سپیده می‌آمدند ضمن ارسال خبرهای متنوع از جشنواره، با فیلمسازان هم درباره کم و کیف اثرشان به گفت‌وگو می‌نشستند. البته خبرگزاری‌ها به طور گسترده هر آن‌چه در جشنواره می‌گذشت را برای کاربران خود روی خروجی‌شان می‌فرستادند؛ از منوهای پیشنهادی تا خبرهای جشنواره‌ای.

## فیلمسازی با صدای بمب!

خبرگزاری فارس تیتراژ یکی از خبرهای مربوط به جشنواره را به کارگاه تروس لی کارگردان تروژی اختصاص داد. تیتراژش را هم از این بخش گرفت، جایی که لی درباره تاثیر موسیقی در فیلم‌ها گفت: «بنده شخصا فیلمی در غزه ساختم که از صدای انفجار بمب‌ها استفاده کردم و کم‌کم این صداها شفاف‌تر می‌شوند و در آخر متوجه می‌شویم که صداهایی که در فیلم شنیده می‌شود، انفجار بمب هستند.»

## ویژه‌نامه‌ای پروپیمان

روزنامه اعتماد گزارشی مبسوط از اتفاقات روز نخست را برای خوانندگانش تدارک دید و ریز و درشت اتفاقات را منتشر کرد با این



نشریه روزانه هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران  
زیر نظر روابط عمومی مرکز گسترش سینمای مستند تجربی

- مدیر مسئول: محمد مهدی طباطبایی نژاد
- سر دبیر: آرش خوشخو
- دبیر تحریریه: وحید سعیدی
- مدیر هنری: محمد نبیاتی نژاد
- دبیر اجرایی: مرجان فاطمی

- سینمای ایران: احمد رنجبر
- بخش بین‌الملل: آیدا تادین
- بخش خبری: محمد صابری
- عکس: حامد خورشیدی

- تحریریه: محمد صادق شایسته
- احمد رضا حجاززاده، زهرا عباسی
- آزاده باقری، شیما انتظاری
- وبنت‌الهدا صدر

- صفحه آرایی: بتسابه کرم‌پور
- حروف نگار: مسعود عسگری
- ویرایش عکس: امیرعلیزاده
- ویرایش و تصحیح: مه‌ری فدایی مقدم

## با سپاس فراوان:

رضا کیانیان، محمدرضا مهدویان و مهوش شیخ‌الاسلامی

## با تشکر از همراهی:

یژمان لشگری پور، هدیه میرحسینی و علی اصغر لشنی

## دوربین پرشگر

روز دوم «سینماحقیقت» به روایت هادی آفریده

پدیده سینمای مستند در ایران به رغم قدمتی که دارد و اصول سینمای باریشه‌ای است، به طور کلی هنوز در معادلات فرهنگی، دولتی و سیاسی زیاد جدی گرفت نمی‌شود و همچنان مهجور است. معتقدم در شرایط فعلی سینمای مستند ایران مانند بچه بازیگوشی است که به دنبال کار خود است، به این سو و آن سو می‌دود، بعضی اوقات پایش به سنگ می‌خورد زمین می‌افتد، برخی اوقات هم پایش پایش سنگ می‌اندازد اما همچنان بازی می‌کند و گلیمش را به تنهایی از آب بیرون می‌کشد. برای چنین سینمایی برگزاری سینماحقیقت رویدادی غیر قابل پیش‌بینی است چرا که مستند در سید خانوار ایرانی جایگاهی ندارد و در تلویزیون به عنوان رسانه رسمی هم به آن بهایی داده نمی‌شود. با توجه به این شرایط اگر می‌خواستیم مستندی درباره سینماحقیقت بسازم شاید کاری در گونه مستندسازی مشارکتی را در پیش می‌گرفتم. در این گونه مستندسازی افراد مختلف موضوع واحد را پیش می‌برند. این گونه مستند به نوعی هم مشارکتی است و هم مشاهده‌گر. نقش افراد در ساختار این گونه مستندها زیاد است و به همین دلیل می‌تواند مشاهده‌ای کامل از حال و روز یک پدیده به دست دهد. اگر بخواهیم مشاهده‌ای در این چند روز برگزاری جشنواره سینماحقیقت داشته باشیم می‌توان دوربین جستجوگر در دست گرفت تا در میان جمع‌ها و گدعه‌های دوستانه مستندسازان برود و یک سوال مطرح کند که مادر حال چه کاری هستیم؟ ما چقدر در کارمان جدی هستیم؟ قرار است چه تأثیری روی خود و دیگران بگذاریم؟ اینها سوالات اساسی سینمای مستند است که هنوز به آن پاسخ نداده‌ایم. در فضای دانشگاهی که به سینمای مستند به عنوان یک پل پرداخته می‌شود، در تلویزیون هم که مستند محدود به گزارش‌های نازلی است که بارزترین آنها در شبکه مستند روی آنتن می‌رود. در چنین حالتی باید دید جریان مستندسازی ما چقدر مخاطب دارد؟ آیا این فیلم‌ها در زندگی ما تأثیر می‌گذارد و ما را پستول‌دار می‌کند؟ آیا در زندگی مخاطب تأثیری می‌گذارد؟ سینمای مستند باید ابتدا سوالات خود را پاسخ بدهد.



ستون ویژه «مستند فوری» فرصتی است برای روایت مهمترین گردهمایی مستندسازان ایرانی به روایت خودشان. این مختصر بهانه‌ای است برای ثبت و مرور روزانه هشتمین جشنواره بین‌المللی «سینماحقیقت» از لنز دوربین مستندسازان. طرح مار سیدن به طرح کلی ساخت یک مستند درباره «سینماحقیقت» بود. آنچه در این شماره می‌خوانید ایده هادی آفریده برای ساخت این مستند است.

## دیدار دودبیر



دومین روز جشنواره هشتم سینماحقیقت میزبان چهره‌های شاخصی بود. در این روز علیرضا رضاداد مشاور رئیس سازمان سینمایی و دبیر جشنواره فیلم فجر به سینما فلسطین آمد و چند ساعتی را با مستندسازان سپری کرد. او بعد از تماشای چند فیلم، به بحث و تبادل نظر با کارگردان‌ها و عوامل فیلم‌ها پرداخت. رضاداد دقیقی هم مهمان سیدمحمد مهدی طباطبایی نژاد دبیر جشنواره سینماحقیقت بود و با یکدیگر درباره این دوره از جشنواره به گفت‌وگو و تبادل نظر پرداختند.